

الضدّة الذي خلق الشجارات و الأرض و جعل الطّماث و الثور.
 سهاس از آن خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی و روشنی را (در آن ها) قرار داد.

ذلك هو الله

وآن همان خداوند است.

ذات السّمون السّمرة

و كسبت مازن سمره

مُسخرج مسبقا السّمرة

مُسدرها سمسمره

عسراة سمسمره

نسي السّمرة مسبقا السّمرة

السّمرة مسبقا السّمرة

و السّمرة مسبقا السّمرة

أوجده مسبقا السّمرة

كسبت الأثر السّمرة

أسرل مسبقا السّمرة

سعد السّمرة مسبقا السّمرة

السّمرة مسبقا السّمرة

به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه نگاه کن

كسبت مسبقا مسبقا السّمرة

چگونه از دانه ای رشد کرده و چگونه درخت کرده به

سماحت و قسبل مسبقا السّمرة

پس جستجو کن و بگو این چیست که میوه را از آن بیرون می آورد

و السّمرة السّمرة السّمرة

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروران است، نگاه کن

سرها مسبقا و سها

در آن روشنی است و با آن حرارتی پراکنده است

مسبقا السّمرة السّمرة

و این چیست که آن را در هوا مانند پاره آتش پدید آورد

ذلك مسبقا السّمرة

آن همان خداوندی است که نعمت هایش ریزان است

ذو مسبقا مسبقا السّمرة

دارای حکمتی کامل و قدرتی با اقتدار است

السّمرة السّمرة السّمرة

به شب نگاه کن پس چه کسی ماه را در آن پدید آورد

و رائة بالسّمرة

و آن را (شب) با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده رینت داد

و السّمرة السّمرة السّمرة

به ابر نگاه کن پس چه کسی باران را از آن نازل کرد

سعد السّمرة مسبقا السّمرة

پس زمین را با آن (باران) بعد از غبار آلودگی (نوره رنگی)، سبز گردانید

ذالذکر ایسی السطره ذالذکر

و به انسان نگاه کن و بگو چه کسی چشم را در او شکافت (بار کرد)

سین ذالذکر ایسی السطره

و این چیست که او را با نیرویی اندیشمند مجهز کرده است.

قاف سین ذالذکر ایسی السطره

آن همان خداوندی است که نعمت‌هایش ریزان است.

سین ذالذکر ایسی السطره

سین ذالذکر ایسی السطره

السطره ایسی السطره

تراج جانی مانی	فر مرور بدعا (مذکر)	آفرج فر آورده (مذکر بخروج)
آفرج	این جدا	آفری دیگر
(مذکر نقل مانی مانی)	من این چیست؟	آفری آفری رنگی غیر آفری
آفری کامل کن	آفری دارای	آفری که -
(مذکر نقل مانی مانی)	آفری آن	آفری آن که سفر کنم
آفری فریزان	آفری زینت داد (مذکر مانی)	آفری منتظر شد (مذکر منتظر)
آفری با استفاده	آفری آخر (پاره آتش)	آفری سترگین (مذکر مانی)
آفری فرودگاه	آفری شکافت (مذکر مانی)	آفری غزل کرد (مذکر مانی)
آفری مانتاگاه	آفری گردناید (مذکر مانی)	آفری نمک‌ها (مذکر مانی)
آفری اندیشمند	آفری بگذار	آفری پدید آورد (مذکر مانی)
آفری آفریزان	(مذکر مانی وضع مانی وضع)	آفری کامل
آفری مناسب شد	آفری روشنایی	آفری ترجمه کن
(مذکر مانی)	آفری مشخص کن	(مذکر مانی ترجمه مانی ترجمه)
آفری آفریزان	(مذکر مانی مانی مانی)	آفری آشنایی با همه دیگر
آفری رشد کرد سونته	آفری شاخه‌ها، آفری مانی	آفری پاره آتش
(مذکر مانی مانی مانی)	آفری آفری آفری	آفری مجهز کرد (مذکر مانی)
آفری آفری آورد		آفری آفری
		آفری آفری (مذکر مانی)

جوران: لغات و معانی در نظر النصف الشرعی
 کتب و گوهرات انسانی در هر دو گانه حفظ انچه

أحد الشرعین فی فقه النظار	دلیل بر فدای امیر المؤمنین علی (ع)
یکی از کتب معتبره در مسائل فقهیه	دلیل بر فدای امیر المؤمنین علی (ع)
و غنیام اشلاء و رحمة الله و برکاته	اشلاء علیکم
سلاطین و رحمت و برکات خداوند بر شما باد	سلام علیکم
صباح التور و الشرع	صبح التور یا التور
صبح بخیر و سلامی	صبح بخیر ای برادر
یا بخیر و الف الف	کیف حالکم؟
من خوبم، تو چطور؟	حالت چطور است؟
بسیار خوب از آن است	بسیار خوب از آن است
بسیار خوب، تو اهل کجایی؟	خوبی، حفا را شکر
ما المشک الکرمین	فان من الضمیرة بالسلامة بارک
اسم تریف چیست؟	من از ضمیری اسم می آورم
اسی قید از حصار	اسی خستین و ما استک الکرمین
اسم من عبدالرحمن است	اسم من حسین است و اسم تریف شما
لا مع الاسب لکنی اجهت ان اسم	هل سألته فی یوم من یوم؟
نه، متأسفانه یکی من پوست تیرم که سفر کنم	آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای؟
ان شاء الله فی القاد مع السلامة	ان شاء الله استأذنی ایران
اگر خدا بخواهد، به امید دیدار، به سلامت	اگر خدا بخواهد، به ایران سفر می‌کنی؟
فی امان الله و حفظه یا خیر	فی امان الله
در امان و پناه خداوند، ای دوست من	در امان خدا

تفاوت‌ها

تفاوت‌های صیغه‌ها در عربی
 برای یادگیری صیغه‌ها در عربی به جدول صفحه ۵ کتاب درسی مراجعه کنید و آن را به ترتیبی که گفته شده حفظ کنید
 ضمناً در این جدول، صیغه با شخص فارسی یا صیغه عربی معادل سازی و هماهنگ شده تا برای نام فارسی صیغه‌ها را نام عربی آن‌ها مقایسه کنید مثلاً در فارسی اول شخص مفرد (من) همان متکلم و حده در عربی می‌باشد و یا سوم شخص جمع (آن‌ها) در عربی به چهار حالت به کار می‌رود.

القصرين الاول كمل ترجمه الآيات و الأحاديث التالية.

تصريح اول ترجمه آيات و احاديث زیر را کامل کن.

۱- ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾

و برای من یاد نیکو در ایمان آیندگان قرار ده.

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا می گوید آن چه که انجام نمی دهید.

۳- ﴿وَ اعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾

و کار نیکو انجام دهید، به درستی که من به آن چه انجام می دهید آگاه هستم.

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾

پروردگارا، ما را با قوم ستمگران قرار نده.

۵- ﴿لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ خَيْرِهِمْ... وَ لَكِنِ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ أَدَاءِ أَلَمَانِيَةِ﴾

به بسیاری نمازشان و روزه شان و بسیاری خیرشان نگرید بلکه به درستی سخن و ادای امانت آن ها است.

۶- ﴿ارْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكِ مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾

به کسی که در زمین است رحم کن تا کسی که در آسمان است به تو رحم کند.

القصرين الثاني اقرأ الأحاديث التالية، ثم عيّن ترجمتها الصحيحة.

تصريح دوم احاديث زیر را بخوان سپس ترجمه صحیح آن ها را مشخص کن.

۱. «اعمل لدنياك كما نك تعيش أبداً و اعمل لآخريك كما نك تموت غداً»

برای (دنیابت دنیا جهان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی لذت می ببری و برای آخرت چنان)

(فردا می میری نزدیک است بمیری)

۲. «انظر إلی ما قال و لا تنظر إلی من قال»

به آن چه گفته است (بنگر می نگر و به آن که گفته است (بنگر نمی نگر)

۳. «إذا ملک الأراذلُ هلك الأفاضلُ»

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند مالک قدرت شدند ، شایستگان هلاک شدند.

۴. «من زرع الغدران حصداً الخسران»

هر کس (دشمنی دوستی کاشت، (زیان سود درو کرد.

۵. «الکلام کالدواء؛ فليله ينفع و کثیره فاقبل»

سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند شفا می دهد و بسیارش گشوده است.

التصريح الثالث: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ الثَّلَاثَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَاضِيَ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ وَالنَّهْيَ.

تبرین سوم: آیات و احادیث زیر را ترجمه کن سپس ماضی، مضارع، امر و نهی را مشخص کن:

۱- وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ...

و خداوند به آن‌ها ستم نکرد بلکه خودشان به خودشان ستم می‌کردند. (ظلم ماضی، انظلموا مضارع، ماضی، ماضی، ماضی، ماضی، ماضی، ماضی)

۲- وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا...

خودتان را نکشید، به درستی که خداوند نسبت به شما مهربان است. (لا تقتلوا نهی، کان ماضی)

۳- لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ...

از یک در وارد نشوید و از درهای متفاوت وارد شوید. (لا تدخلوا نهی، ادخلوا امر)

۴- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَا بِالصَّيْبِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

علم را حتی در چین بجوئید (طلب کنید). زیرا طلب علم واجب است. (اطلبوا امر)

۵- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ، فَاجْزِلِ الْغَفْرَ عَنْهُ شُكْرًا بِاللَّذَرَّةِ عَلَيْهِ.

زمانی که بر دشمنت مسلط گشتی، پس بخاطر شکر برای تسلط بر او، از او درگذر (او را ببخش) (بذرت ماضی، جمل امر)

۶- قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.

سخن «منم دانم»، نصف علم است. (لا اعلم مضارع)

التصريح الرابع: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثَةَ وَادْكُرْ صِيغَهَا.

تبرین چهارم: فعل‌های زیر را ترجمه و صیغه آن‌ها ذکر کن.

ما قدرنا	توانستند	فعلت	بوسیدی	شكفت	کشف خواهیم کرد
ما قدرنا	جمع مذکر غایب	فعلت	مفرد مذکر مخاطب	شكفت	متکلم مع الغیر
ما قدرنا	از دست ندادیم	فعلت	می‌پوشید	شكفت	خوشحال خواهد شد
ما قدرنا	متکلم مع الغیر	فعلت	جمع مذکر مخاطب	شكفت	مفرد مذکر غایب
ما قدرنا	تعبیر دادند	فعلت	می‌گویید	لا تصعبین	بالا می‌روی
ما قدرنا	جمع مؤنث غایب	فعلت	جمع مؤنث مخاطب	لا تصعبین	مفرد مؤنث مخاطب
ما قدرنا	بجوایبید	لا تعجزت	فرار نکن	کان یلصبا	بازی می‌کرد
ما قدرنا	جمع مذکر مخاطب	لا تعجزت	مفرد مذکر مخاطب	کان یلصبا	مفرد مذکر غایب

التصريح الخامس: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبِ الْمَعْنَى.

تبرین پنجم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب بر حسب معنی بنویس.

۱. الأعداد الأصلية هي: واحد / اثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / ستة / سبعة / ثمانية / تسعة / عشرة / أحد عشر / اثنا عشر

۲. الأعداد الترتيبية هي: الأول / الثاني / الثالث / الرابعة / الخامس / السادس / السابع / الثامن / التاسع / العاشر / الحادي عشر / الثاني عشر

۳. آیاتُ الأسوعِ صبعةٌ وهي: يومُ السبتِ والأحدِ والإثنينِ والثلاثاءِ والأربعاءِ والخميسِ والجمعةِ.
 ۴. أصولُ السنةِ أربعةٌ وهي: فصلُ الربيعِ والصفيفِ والخريفِ والشتاءِ.
 ۵. نأكلُ (الطُور) في الصباحِ والغداءِ في الظهْرِ والعشاءِ في الليلِ.
 ۶. لونُ الرُبابِ (السُود)، و لونُ السحابِ (البيض)، و لونُ البحرِ (الزرق)، و لونُ القوِ (الصفير)، و لونُ الرُثانِ (الحمراء)، و لونُ الشجرِ (الخضر).

التصريحُ السادس: ضغ في الدائرة العدة الشاسب (كلمة واحدة وابتداء).

تصريح هشتم: در دایره شماره مناسب را قرار بده [یک کلمه اضافه است]

۱. الشَّرَرَةُ (۷) من الأحجارِ الجميلةِ الغاليةِ بالونِ الأبيضِ.
 از سنگ‌های زیبای گران قیمت با رنگ سفید هستند.
 زمانه آتش
 ۲. الشَّمْسُ (۲) جَدْوَتْهَا مُسْتَعْرَةً، فيها ضياءٌ وبها حرارةٌ مُنْقَشِرَةٌ.
 پاره آتش آن فروزان است، در آن نور است و با آن حرارتی پراکنده است.
 خورشید
 ۳. الْقَمَرُ (۳) كوكبٌ يدورُ حولَ الأرضِ، ضياءُهُ من الشمسِ.
 ستاره‌ای است که دور زمین می چرخد، نورش از خورشید است.
 ماه
 ۴. الْأَنْعُمُ (۵) بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ تَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
 بخاری متراکم در آسمان است که باران از آن می‌بارد.
 نعمت‌ها
 ۵. الْعَبَمُ (۶) من التلايسِ النَّسائِيَّةِ وَ بِالْوَانِ مُخْتَلِفَةٌ.
 از لباس‌های زنانه با رنگ‌هایی مختلف است.
 ابر
 ۶. الْقَتَانُ (۱) قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ.
 تکه‌ای از آتش است.
 از لباس‌های زنانه
 ۷. الدَّرْوُ مرواریدها

التصريحُ السابع: ضغ هذه التراكيب في مكانها المناسب. ثم ترجمها.

تصريح هشتم: این ترکیب‌ها را در جای مناسبش قرار بده، سپس آن‌ها را ترجمه کن.

هؤلاء الفانزات / هذان الذليلان / تلك البطارئة / أولئك الصالحون / هؤلاء الأعداء / هاتان الرجاحتان

مفرد مؤنث	مثنی مدکر	مثنی مؤنث	جمع مدکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
تلك البطارئة	هذان الذليلان	هاتان الرجاحتان	أولئك الصالحون	هؤلاء الفانزات	هؤلاء الأعداء
آن باتری	این، دو راهما	این، دو شیشه	آن، صالحان	این، برندگان	این، دشمنان

التصريحُ الثامن: أكتب وزنَ الكلماتِ التاليةِ و خروفها الأصلية

تصريح هشتم: وزن کلمات زیر و حروف اصلی آن‌ها را بنویس:

۱. ناصر، منصور، أصر، فاعل - مفعول - أفعال - ن، ص، ر

۷- اعداد بین دو عقود مثل ۲۱ تا ۲۹ - ۳۱ تا ۳۹ - ۹۱ تا ۹۹ اعداد معطوفه نامیده می شوند. زیرا از دو عدد که سایر حرف دو آمده تشکیل می شوند (عدد مفرد ۱ تا ۹ و ۰ عقود)

مانند ۳۸ به ثمانیه و ثلاثون فرساً

تعداد معطوفه های ۱۱ تا ۹۹ به صورت مفرد به کار می روند ولی ۲ تا ۱۰ معدودشان جمع است. برای یادگیری اعداد به جدول صفحه ۱۴ کتاب فارسی مراجعه و دقت نمایید.

اهمترین نکته: ترجمه‌ی الی الفارسیه خودت را برای به فارسی ترجمه کن.

نود و نه گاو (ماده)	۷. سبع و تسعون بقره	سی شب	۱. ثلاثین لیله
سی و هفت باغ	۸. سبع و ثلاثون حديقة	هفتاد مرد	۲. سبعون رجلاً
شصت و سه برنده	۹. ثلاثه و ستون طائراً	بر آن (آتش) نوزده نفر هستند	۳. علیها تسعة عشر
هفتاد و یک روستا	۱۰. واحدة و سبعون قرية	پنجاه مجسمه	۴. خمسة عشر صنفاً
هشتاد و دو سال	۱۱. اثنان و ثمانون عاماً	بیست و یک دانشگاه	۵. واحدة و عشرون جامعة
بیست و نه صدلی	۱۲. تسعة و عشرون كرسياً	شترده شهر	۶. بيت عشرة مدينة

فن ترجمه

التحریر: ترجمه‌ی الی الفارسیه به فارسی ترجمه کن

۱. قلنا جاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه
 ۲. و لقد أرسلنا من قبلك رسلًا إلى قومهم فحازوهم بالبينات
 ۳. من إله غير الله يأتيكم بضيا. أفلا تعقلون
 ۴. و جاء إخوة يوسف فدخلوا عليه ففرقهم
 ۵. قل من أنزل الكتاب الذي جاء به موسى
- بگو چه کسی کتابی که موسی آن را آورد را نازل کرد

جوارث (هي قطار التخب الأشراف)

گفته و گوها (در فرودگاه نجف اشرف)

سایح من ایران

سایح من الكويت

گردشگری از ایران

گردشگری از کویت

السلام علیکم

و علیکم السلام و رحمة الله و بركاته.

سلام علیکم

و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد

نساء الخیر یا خیرسی

نساء النور یا غزیری

عصر بخیر ای دوست من

عصر بخیر عزیزم

هل حضرتک من العراق؟

لا، أنا من الكويت. أنت من باكستان؟

آیا جنابعالی از عراق هستی؟

نه، من از کویت هستم. آیا تو از پاکستان هستی؟

لا، أنا إيراني، كم مرة جئت للزيارة؟

جئت للمرة الأولى، و كم مرة جئت أنت؟

نه، من ایرانی هستم. چند بار به زیارت آمدی؟

برای اولین بار آمدم، تو چند بار آمدی؟

أنا جئت للمرة الثانية

كم مرّة؟

من برای دومین بار آمدم.

چند سالت است؟

عشری سنة عشر عاماً.

من أي مدينة أنت؟

من شانزده سال دارم.

از کدام شهر هستی؟

أنا من مدينة جويبار في محافظة مازندران.

ما أجمل غابات مازندران و طبيعتها!

من از شهر جویبار در استان مازندران هستم.

جنگل ها و طبیعت مازندران چه زیاست.

هل ذهبت إلى إيران من قبل؟

نعم، ذهبت لزيارة الإمام الرضا. تامين اثنتينا (ع)

بله، به زیارت امام رضا (ع) هشتمین امامان رفتم.

آیا از قبل به ایران رفتی؟

كيف وخذت إيران؟

إن إيران بلاد جميلة جداً، والشعب الإيراني شعب مضياف.

قطعا ایران سرزمین بسیار زیبایی است و ملت ایرانی

ایران را چگونه یافتی؟

مهمان دوست است.

تمرین‌ها

الشعرين الأولين اقرأ الآيات التالية، ثم ترجمها.

تصريح اول آيات زير را بخوان سپس آن‌ها را ترجمه کن.

١ ... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَكْفُرُونَ إِلَّا قَلِيلٌ ... الكهف: ٢٢

به زودی خواهند گفت [آن‌ها] سه نفر بودند و چهارمین آن‌ها سگشان بود و می‌گویند آن‌ها پنج نفر بودند و ششمین آن‌ها سگشان بود و می‌گویند آن‌ها هفت نفر و هشتمین آن‌ها سگشان بود و بحر افراد اندکی کسی تعدادشان را نمی‌داند.

۲. ﴿إِنِّي زَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ زَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ بر شصت و دو به راستی که من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم که آنها به من سجده می کردند.

۳. ﴿إِنَّ هَذَا أَحَبُّ لِي لِيَسْعَ وَ يَسْعُونَ نِعْمَةً وَلِي نِعْمَةٌ وَاحِدَةٌ﴾ ص ۶۶
به درستی که برادر من نود و نه میسر دارد و من یک میسر دارم

۴. ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِي اثْنَيْنِ إِنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ النحل ۵۱
خدایتان فرمودند: دو معبود را برنگزینید، فقط پروردگار شما معبود یگانه است.

۵. ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾ النحل ۱۶۰
هر کس کار نیک بیاورد پس ده برابر آن برای او می باشد.

التَّمْرِينُ الثَّمَانِي أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْجِسَائِيَّةِ التَّالِيَةِ

تمرین دوم: به عملیات ریاضی زیر جواب بده.

(+ زائد) (- ناقص) (تقسیم علی) (× ضرب می)

۱. عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ.

ده ضرب در سه، مساوی با سی است. $10 \times 3 = 30$

۲. تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

نود منهای ده، مساوی با هشتاد است. $90 - 10 = 80$

۳. مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عَشْرِينَ.

صد تقسیم بر پنج، مساوی با ۲۰ است. $100 \div 5 = 20$

۴. مِئَةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي مِئَةً وَ سِتِينَ.

شش ضرب در یازده، با شصت و شش مساوی است. $6 \times 11 = 66$

۵. خَمْسَةٌ وَ تِسْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

هفتاد و پنج به اضافه بیست و پنج، مساوی با صد است. $75 + 25 = 100$

۶. اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

هشتاد و دو تقسیم بر دو، مساوی با چهل و یک است. $82 \div 2 = 41$

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبًا مُنَاسِبًا.

تمرین سوم: در جای خالی عدد ترتیبی مناسب بنویس.

۱. اَلْيَوْمُ الثَّمَانِي مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.

روز دوم از روزهای هفته، روز یکشنبه است.

۲. اَلْيَوْمُ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.

روز ششم از روزهای هفته، روز پنجشنبه است.

۳. اَلْفَصْلُ الرَّابِعُ فِي السَّنَةِ الْإِسْرَائِيلِيَّةِ فَصْلُ السَّنَةِ.

فصل چهارم در سال ایرانی، فصل زمستان است.

۴. الفصل الثالث في السنة الإيرانية فصل الحريف.

فصل سوم در سال ایرانی. فصل پاییز است.

۵. تَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الثَّانِي جَائِزَةً فضيَّةً

برنده اول جایزه طلائی و برنده دوم جایزه نقره‌ای می‌گیرد.

التَّصْوِيرُ الرَّابِعُ: ضَعَّ فِي الدَّائِرَةِ الْقِدَّةِ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

تصویر چهارم: در دایره عدد مناسب قرار ده. یک کلمه اضافه است.

۱. النَّشَاطُ ⑤ إعطاءُ حُلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةِ الْقِيَامِ بِعَمَلٍ.

فعالیت پیشنهاد: راه حل و بیان راهی برای انجام کاری.

۲. الدَّوَامُ ④ أَلَّا لِنَقِلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.

ساعت کار تلفظ: ابزاری برای انتقال صداها از جایی به جایی دیگر.

۳. الْبِحْصَةُ ② سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُتَوَلِّفِينَ وَ الْعُمَّالِ.

ساعت کار ساعت‌های کار برای کارمندان و کارگران.

۴. الْأَهَابُ ⑥ أَنْسُوبَ لِنَتِجِ ثَبَاتِ الْمَاءِ وَ إِغْلَاقِهِ.

تلفظ شیر آب: لوله‌هایی برای باز کردن جریان آب و بستن آن.

۵. الْإِخْتِرَاحُ ① الْقِيَامُ بِعَمَلٍ بِتَحْرُكٍ وَ سُرْعَةٍ.

پیشنهاد فعالیت: اقدام به کاری با تحرک و سرعت.

۶. الْحَصِيَّةُ

شیر آب

التَّصْوِيرُ الْخَامِسُ: ضَعَّ فِي الْقَرَعِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

تصویر پنجم: در جای خالی کلمه‌ای مناسب از کلمات زیر قرار ده. دو کلمه اضافه است.

رَضِيْفُ الْهَدْيِ / خَمْسِيْنَ / أَعْمِدَةٌ / أَخْبَرُونَا / مِضْيَافٌ / حَجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعَتْ

پیاده‌رو آرامش / پنجاه / ستون‌ها / به ما خبر دادند / مهمان‌دوست / اتاق / مالک است / خالی

۱. وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ قُلْتُ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا. ﴿١١﴾

و به تحقیق نوح را به سوی قومش فرستادیم پس در بین آن‌ها ۹۵۰ سال اقامت کرد.

۲. عَلَيْنَا بِالْفُجُورِ مِنْ رَضِيْفٍ إِلَى آخَرٍ مِنْ مَمَرِ الشَّيْءِ.

ما باید برای گذر از پیاده‌روی به پیاده‌روی دیگر از خط عابر عبور کنیم.

۳. سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ. لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى الْهَدْيِ.

به روستایی سفر کردیم برای این که به آرامش نیاز داریم.

۴. الْعَجْرَانُ أَخْبَرُونَا بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.

همسایه‌ها به ما خبر دادند به آن چه که در خیابان رخ داد.

۵. أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبَضَاعَ فَرَعَتْ الشَّيْءَ.

کارگر کالاها را پایین آورد پس ماشین خالی شد.

۶. هَلْ يَسَلُّكَ أَيْوَكُ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟

آیا پدخت مالک زمینی در روستا است؟

۷. لَيْسَتْ فِي الْعُنْدِي حَصْرًا فَارْعَةً.

در هتل اتالی خالی نیست.

النَّصْرِيُّ مِنَ الْعُنْدِي ضَعَّ فِي الْفِرَاقِ الضَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ، ثُمَّ تَرَجَمَ الْجُمْلَةَ.

نصیر من العندی

أنا / أنت / هو، من	نحن / أنتم / أنتم، أنتم، أنتم، هم، هن، فما	من فراموش نمی‌کنم	هو شخصی	او خواهد گفت
هم ما و ضعوا	انها قرار ندادند	انا لا أنسى	شما پایین خواهید آورد	او برخواهد داشت
هم لا يصرخون	انها فریاد نمی‌زنند	انتم تتفكرون	شما رسیدید	او بیخود
هما كاتتا	انها صحبت می‌کردند	انتم وصلتم	شما رسیدید	شما با تنهایی
تصعاب				
اكتفوا انتم	شما کشف کنید	لا تكلم انتم	تو پنهان کن	او می‌تواند
نحن ما علفنا	ما نداشتیم	انت عطرت	تو عطرت زدی	من خواستم
انت تطعين	تو چاپ می‌کنی	انتم تندمن	شما پشیمان می‌شوید	شما با تنهایی

النَّصْرِيُّ مِنَ الْعُنْدِي تَرَجَمَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ نَعْلَمُ أَنْ -

نصیر من العندی عبارت‌های زیر را ترجمه کن. آیا می‌دانی که -

۱- أَكْثَرُ عَنَكَبُوتٍ عَيْشٌ فِي التَّرَازِيلِ وَ وَزْنُهَا سِتَّةٌ وَ سَعُونَ غِرَامًا؟ (غرام گرم)

بزرگ‌ترین عنکبوت در برزیل زندگی می‌کند و وزنش صد و هفتاد گرم است؟

۲- الْكَلْبُ يَتَقَدَّرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ عَلَى بُعْدِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

سگ می‌تواند صدای ساعت را از فاصله چهل قدم بشنود؟

۳- السَّلْمَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَتَوَقَّ وَزْنُهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

مورچه می‌تواند چیزی که وزنش پنجاه برابر وزن خود است را حمل کند؟

۴- الْغُرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ؟

کلاغ بیست تا سی سال یا بیشتر زندگی می‌کند؟

۵- ثَمَانِينَ بِالْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

هشتاد درصد از موجودات جهان حشرات هستند؟

۶- طُولُ قَائِمَةِ الزَّرَافَةِ سِتَّةٌ أمتارًا؟ (أمتار جمع متر)

طول قد زرافه شش متر است؟

النَّصْرِيُّ مِنَ الْعُنْدِي أَيْ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّرْصِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

نصیر من العندی کدام کلمه از کلمات لغت‌نامه با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱- مِنَ التَّرَاقِي الْعَامَّةِ فِي الْحَدَائِقِ لِفَسْلِ الْأَيْدِي.

تاسیسات عمومی در پارک‌ها برای بستن دست‌ها است.

دوره الفصاحه (سر و سوس بهشتی)

۷. توره جند لشجیح الذي أحسن عدلاً

ان را هنگام تشویق کسی که کاری را به نیکویی انجام داده می گویند.

۳. القيام في صفوف المدرسة في الصباح

ایستادن در صف های مدرسه در صبح است.

۴. صار الشيء يدكهُ يفعلُ به كما يشاءُ

شئ به مال او شد و آن طور که می خواهد با آن عمل می کند.

۵. الذي يعيشُ معنا في وطنٍ واحدٍ

کسی که با ما در یک وطن زندگی می کند.

۶. القيام بالتمرين و النشاط

اقدام به تمرین و فعالیت است.

التشريع المتكسب عني العدة الصحيح للفراغ

تمرین درجه عدد صحیح را برای جای خالی مشخص کن.

۱. لِفَافِرٍ جَائِزَةٌ دَهَبِيَّةٌ وَ لِفَافِرٍ ثَانِي جَائِزَةٌ بَنِيَّةٌ. واحدًا الأوَّل

برنده اوّل یک جایزه طلائی و برنده دوم جایزه نقره ای دارد.

۲. في الإصطفاة الصباحي و قلنا في صفوف. عشرة العاشر

در صف صبحگاهی در ده صف ایستادیم.

۳. التّابذة من توافد المدرسة مفرحة. الأوَّل واحدًا

بنجره اول از بنجره های مدرسه باز است.

۴. تيار الكهرياء في خجرات مقطوع. أربع الزايع

جریان برق در چهار اتاق قطع است.

۵. لي أخوان اثنان و أختان اثنان واحد

دو برادر و دو خواهر دارم.

التشريع العاشرة عني المعدودة الصحيح للفراغ

تمرین درجه معدود صحیح را برای جای خالی مشخص کن.

۱. يَلْعَبُ أَحَدُ عَشَرَ في فريق كرة القدم. لاعبين لاعبا

یازده بازیکن در تیم فوتبال بازی می کنند.

۲. أربعة واقفون أمام باب المنظمة. جندئ جنود

چهار سرباز روبه روی درب سازمان ایستادند.

۳. اثنان حول كوكب المريخ. أقمار قمران

دو در اطراف سیاره مریخ هستند.

۴. واجدة في البيت مغلقة. أنيب أنبوة

یک لوله در خانه بسته است.

الذبحه العنسی

تعلیق عامی

اكتشف آية أو حديثاً نصّاً باللّغة العربيّة حول مسؤوليّة جميع المواطنين بالتّمسك بالثّواب الوطنيّة و التّراخي العائلي و المالي الكارهي و اكتشف ترجمتها الفارسيّة و الإنجليزيّة مستعِيناً بضعفهم.

آيه يا حديث يا متنى به زمان عربى تر باره مسؤوليت همه كارمندان نسبت به ثروت هاى دولتي و تأسيسات عمومى و المار تاريخى بنويس و ترجمه فارسى و انگليسى ان ها را به كمك فرهنگ لغت بنويس.

«وَيُنزَّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً غَائِرًا ۚ
وَبِرَايِ سَمَاوِيٍّ اَزْ اَسْمَانِ نَازِلٍ مِي كَنَد.

«مَطَرُ السَّمَكِ»

باران ماهی

«قُلْ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُضِرُّ سَحَابًا لِيُبَسِّطَهُ فِي السَّمَاءِ...» (الأنعام ۹۶)

خداوند کسی است که بادهای او را می فرستد پس ابری برمی انگیزد پس آن را در آسمان می گستراند.
هَلْ تُصَدِّقُ اَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْاَيَّامِ الْاَسْمَاكُ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟ اِنْ لَزُولِ التَّطَرُّبِ وَ الْفُلُجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ، وَلَكِنْ اَنْ يَخْبُرَ
اَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟ عَلَّ تَنْظُرُ اَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ بِلَمَّا خَيَالِيًّا؟ حَسَبًا لِمَا لَطَرُ اِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.

آیا بلور می کنی که در روزی از روزها ماهی ها را ببینی که از آسمان فرو می ریزد (می افتد)؟

همانا نزول باران و برف از آسمان امری (چیزی) طبیعی است؛ ولی آیا ممکن است که باران ماهی را ببینیم؟ آیا گمان می کنی که
آن باران حقیقت باشد و فیلمی خیالی نیست؟ بسیار خوب پس به این عکس ها نگاه کن تا باور کنی.
اَنْظُرْ بِدِقَّةٍ، اَنْتَ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْاَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ، كَمَا نَ الْسَّمَاءِ تُنْظِرُ اَسْمَاكًا. يُسْتَشِي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ
السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سُرَاتٍ طَوِيلَةً لَمَّا وَجَدُوا لَهَا جَرَاءً. يَخْتَلِفُ «مَطَرُ السَّمَكِ» شَتْوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُوْرَاسِ
فِي اَمْرِيكَا الْوَسْطَى.

به دقت نگاه کن؛ تو افتادن ماهی ها را از آسمان می بینی؟ گویا آسمان ماهی می بارد. مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی»
می نامند. این پدیده سال هایی طولانی مردم را به حیرت انداخت پس جوابی برای آن نیافتند. باران ماهی سالانه در جمهوری
هندوراس در آمریکای میانه پدید می آید.

تَعَدُّتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ اَحْيَانًا. فَيَلَاظُ النَّاسُ غَيْمَةً سَرْدَاءً عَظِيمَةً وَ رَعْدًا وَ رِقَاقًا وَ رِيَّاحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِشِدَّةِ
سَاعَتَيْنِ اَوْ اَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الْاَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْاَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.

این پدیده احياناً دو بار در سال پدید می آید، پس مردم ابرهای سیاه بزرگی و رعد و برقی و بادهایی قوی و بارانی شدید را به مدت
دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند سپس زمین با ماهی ها پوشیده می شود، پس مردم برای پختن و خوردنشان آن ها را می گیرند.
حَاوِلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سَبَبِ بَلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ، فَازْتَلَمُوا قَرِيبًا لِرِيَّازَةِ الْمَكَانِ وَ الشُّعْرَبِ عَلَى الْاَسْمَاكِ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَى الْاَرْضِ
بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا اَنْ جَمِيعَ الْاَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَى الْاَرْضِ بِحَجْمِ وَاوَجِدُ وَ نَوْعِ وَاوَجِدُ، وَلَكِنْ الْقَرِيبِ فِي الْأَمْرِ اَنْ
الْاَسْمَاكُ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِائِ الْمَجَاوِرَةِ بَلْ بِمِائِ الْمُحِيطِ الْاَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسَافَةً بِمِائَتِي كِيلُومِترٍ عَنِ مَحَلِّ سُقُوطِ الْاَسْمَاكِ.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟!

يَخْتَلِفُ اِغْصَارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الْاَسْمَاكُ اِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا اِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَمَا يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَسَاقَطُ عَلَى الْاَرْضِ.
دانشمندان برای شناختن راز آن پدیده عجیب تلاش کردند؛ پس گروهی را برای دیدن مکان و شناختن ماهی ها که بعد از این
باران شدید به زمین می افتند، فرستادند، پس یافتند که همه ماهی ها پراکنده بر زمین به یک حجم (اندازه) و یک نوع هستند، ولی
عجیب در این امر این است که ماهی ها متعلق به آب های مجاور نیستند بلکه برای آب های اقیانوس اطلس که مسافت دویست
کیلومتر از محل افتادن ماهی ها فاصله دارد، می باشد. علت تشکیل این پدیده چیست؟ اگر دبیاد شدیدی رخ می دهد پس با نیرویی
ماهی ها را به آسمان می کشد و آن ها را به مکان دوری می برد و هنگامی که سرعتش را از دست می دهد (آن ها) بر زمین می افتند.
مردم در هندوراس سالانه این روز را جشن می گیرند و آن را «جشنواره باران ماهی» می نامند.

الفبا

آثار برانگیخت (مضارع بکوز اصغر)	تساقط افتاد (مضارع بتساقط)	عظی تصدق تا باور کسی
بازره	مصدر تساقط	ظاهراً پدید آمده، حتی ظواهر
احتمال جشن گرفت (مضارع یحتفل)	التعرف علی شناختن	غیر از راه
اصغر احتفال	تفیش بازرسی، جست و جو	نام فیلم، حتی افلام
ارسال فرستاد (مضارع یرسل)	تلج برف، یخ و جمع تلوج	ترجماً بگم خوش آمدید، درود بر شما
مصدر اصباح	جامر آماده	شما
اصبح شد (مضارع یصبح اصغر)	جواز الشرف گذرنامه، جمع جوازات	لاحظه ملاحظه کرد (مضارع یلاحظ)
اصباح	گفتا بسیار خوب	ملاحظه ملاحظه (ملاحظة)
اصغر گردید جمع اعاصیر	عیر حیران گرد (مضارع یحیر)	مراقب همراه
اصغر اوسطی آمریکای مرکزی	تخب کشید (مضارع یسخت)	تفویض پوشیده
اصغر باران بارید (مضارع یسطر)	عشی نامید (مضارع یسعی اصغر)	مستحضر جشنواره، فستیوال
مصدر بطار	تسمیه	برودت پایین آمدن (مضارع یزل)
استسکا بیدار شد، متوجه شد	شراء سیاه (مؤنث اسود)	مضارع یزل
(مضارع یتقیه اصغر یتباه)	متویه سالانه	ملاحظه خفتگان، شرف نقیم
سند گتراند (مضارع ینط)	شرفشون مشرف فرمودید، به ما	
حداکثر کارت	افتخار دادید	
بمقدور شد (مضارع یغذ)	صدق باور کرد (مضارع یصدق)	
بی سیرکم	مصدر تصدیق	
توی می بینی، آن تری که بینی		

عَبَيْنَ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

صحیح و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.

- يَحْتَفِلُ أَهْلِي الْهُندُوراس بهذا اليوم شهرتاً و يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانُ الْبَحْرِ» *
مردم هندوراس این روز را ماهیانه جشن می گیرند و آن را جشنواره دریا می نامند.
- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْأَعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
هنگامی که گردباد سرعتش را از دست می دهد ماهی ها بر زمین می افتند.
- يَبْتَسُّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
دانشمندان از شناختن راز آن پدیده عجیب ناامید شدند.
- إِنَّ تُرُودَ الْمَطَرِ وَ التَّلَاجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِي.
قطعا بارش باران و برف از آسمان یک امر طبیعی است.

اَلْحَدِيثُ نَسَبَكَ تَرْجَمَ الْاَفْعَالُ التَّلَايِيَةُ التَّرْبِيَّةُ. ثُمَّ عَيَّنْ لَوْحَ الْهَابِ.
خودت را بیارم ای سه گانه مزید را ترجمه کن سپس لوح هاب را مشخص کن.

ماضی	مضارع	امر	مستقبل	باب
استغفر	يستغفر	استغفر	استغفر	استغفار
اعتذر	يعتذر	اعتذر	اعتذر	اعتذار
انقطع	ينقطع	انقطع	انقطع	انقطاع
تعلم	يتعلم	تعلم	تعلم	تعلیم

ترجم جمل زیر جدول. جمله‌های این جدول‌ها را ترجمه کن.

الجدول الأول (باب الغفران) اشتغف، يتشتغف «الغفران خودداری کردن»

عزای استغفر	ماضی	مضارع	امر	مستقبل
ایس‌ها خودداری کردند	من خودداری می‌کنم	ای همکلاس‌هایم ایها	ای دوست مسکن	برادرانم خودداری نمی‌کنند

الجدول الثاني (باب استغفر) اشتغفر، يتشتغف «استغفار آمرزش خواستن»

هل استغفرت؟	التر من يستغفر	نحن استغفرنا	استغفر ربك	الا تستغفرون؟
ایا آمرزش خواستی؟	مؤمن آمرزش می‌خواهد	ما آمرزش خواستیم	از پروردگارت آمرزش بخواه	ایسا سو آمرزش نمی‌خواهی؟

الجدول الثالث (باب انقطع) انقطع، ينقطع «انقطاع نریده شدن»

انقطعت الكبرياء	انقطع يا منظر	لا ينقطع رحمتي	شجرة انقطع
ای باران قطع شو	ای باران قطع نشو	امیدم قطع نمی‌شود	دو درخت قطع نشوند

الجدول الرابع (باب تعلم) تعلم، يتعلم «تعلم یاد گرفتن»

هل تعلم؟	نحن تعلمنا	تعلم يا صديقي	أأنتم تعلمون؟	تعلموا أيتها
همکلاسی‌هایم یاد گرفتند	ما یاد گرفتیم	ای دوست من یاد بگیر	ایسا شما یاد می‌گیرید	شما یاد بگیرید

اَلْحَدِيثُ نَسَبَكَ تَرْجَمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ: خودت را بیارم ای به فارسی ترجمه کن؛

خدمت کرد استلخدمه به کار گرفت شاهد بود استشهد شهادة شهادت خواست

اَلْحَدِيثُ نَسَبَكَ تَرْجَمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ: خودت را بیارم ای به فارسی ترجمه کن؛

قطع قطع کرد انقطع قطع شد انقطع منتشر شد انقطع منتشر کرد انقطع فرستاد انقطع فرستاده شد

عَلَّمَ اللهُ الْإِنْسَانَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا فَتَلَمَّ خَدَاوِدُ هَمَّةَ اسْمِهَا رَا بِهَ الْإِنْسَانَ أَمُوخَتْ پَسِ يَادِ كَرَفَتْ.
جَمَعْتُ زُفْلَاتِي لِإِصْطِفَابِ الصَّبَاحِ، لِمَا جَمَعْتُمَا. هَمَكَلَّاسِي هَابِمَ رَا بِرَايَ صَفِّ صَبْحَاكُمَا جَمَعْتُ كَرَدَمِ پَسِ جَمَعْتُ شَدْنَدُ.
مَلَّا بِرُكُودِ امْتَلَأَ بِرُشْدِ لَمَحَ بِازْ كَرُدِ لَمَحَ بِازْ شَدْ

اَلْمُفْتَحُ مَفْتُوحٌ تَرْجَمُ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْإِلْزَامِيَّ وَ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ.

خودت را به از مای این جملات را ترجمه کن و فعل لازم و متعدی را مشخص کن.

۱. قَامَتْ رُقَيْةٌ فِي حَبْصَةِ اللَّفَّةِ الْعَرَبِيَّةِ. رقبه در رنگ زبان عربی برخاست. (فاسد لازم)
۲. دَعَيْتُ زَمِيلَتِي لِإِطْفَاءِ الْمَكْتَبَاتِ. همکلاسی ام برای خاموش کردن گولرها رفت. (ذهب لازم)
۳. زَانَ اللهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمِهَا كَالدَّرَرِ. خداوند آسمان را با ستارگانی همچون مروارید زینت داد. (ان متعدی)
۴. نَسَمُ الشَّجَرَةَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. درخت از دانه ای کوچک رشد می کند. (نسم لازم)
۵. ذَكَرْتُ أُمَّتَهُ لِلتَّرَاقِفِ الْعَامَّةِ. مثال هایی برای تأسیسات عمومی ذکر کردم. (ذکرت متعدی)
۶. اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٌ حَاسِبًا لَهٗ. پدر حامد رایانه ای برایش خرید. (اشتری متعدی)

جَوَارَاتُ (جَوَازٌ فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ فِي الْمَطَارِ)

گفت و گوها (گفتگویی در قسمت گذرنامه در فرودگاه)

شُرْطِي إِدَارَةُ الْجَوَازَاتِ	السَّافِرُ الْإِيرَانِيُّ
پلیس اداره گذرنامه	مسافر ایرانی
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ، مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرَانٍ وَ مِنْ مَدِيْنَةِ زَائِلِ.
خوش آمدید، از کدام کشور هستید؟	ما از ایران و از شهر زایل هستیم.
مَرْحَبًا بِكُمْ سَرَّحْتُمَا.	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
درود بر شما، به ما افتخار دادید.	از تو تشکر می کنم آقا!
مَا تَأْتِيْنَا تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!	أُحِبُّ هَذِهِ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَمِيْلَةً.
ملائه الله، به خوبی عربی صحبت می کنی!	این زبان را دوست دارم. عربی زیباست.
كَمْ عَقْدَ التَّرَاقِفِ؟	بِسْتَةٍ وَ الْوَادِيَّ وَ الْوَادِيَّ وَ الْوَادِيَّ.
تعداد همراهان چند نفر است؟	شش نفر: پدر و مادرم، دو خواهر، دو برادرم.
أَهْلًا بِالصُّبُورِ الرَّحْمَانِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتُ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ، كُلُّ وَاحِدٍ بِنَا بَطَاقَتَهُ بِيَدِهِ.
مهمانان خوش آمدید. آیا شما کارت های ورود دارید؟	بله، هر یک از ما کارتش در دستش است.
الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْشِّمَالِ لِلتَّفْتِيْشِ.	عَلَى عَيْنِي.
مردان سمت راست و زنان سمت چپ برای بازرسی	بر روی چشم.
وَ حَاةٍ إِجْعَلُوا جَوَازِي تَكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ.
لطفاً، گذرنامه هایتان در دستانتان بگیرید.	ما آماده ایم.

التَّوْبَةُ مِنَ الذَّلِيلِ عَيْنِ الضَّمَّةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.

توبه از اول جمله صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن.

۱. المَهْرَجَانُ إِخْتِفَالٌ عَامٌّ لِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ. ✓
جشنواره جشنی عمومی به مناسبت زیبایی، مانند جشنواره شکوفه‌ها و جشنواره فیلم‌ها است.

۲. أَلْتَلَّحُ شُرْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ تُرُودِ السَّاهِ مِنْ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ لَفْظٌ. ✗
برف نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر روی کوه‌ها می‌بارد.

۳. تَعْمِشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ. ✓
ماهی‌ها در رودخانه و دریا زندگی می‌کنند و انواع مختلفی دارد.

۴. يَحْتَمِلُ الْأَبْرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ. ✓
ایرانی‌ها اولین روز از روزهای سال شمسی را جشن می‌گیرند.

۵. أَلَّا عَصَا رِيحٌ شَدِيدَةٌ، لَا تَنْتَقِلُ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ. ✗
گردباد، باد شدیدی است که به مکانی دیگر منتقل نمی‌شود.

التَّوْبَةُ مِنَ الشَّامِي ضَعْفٌ فِي التَّرَاعُفِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

توبه دوم در جای خالی فعلی مناسب قرار ده.

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَدُوِّي وَ عَدُوِّكُمْ أَوْلِيَاءُ. ✗
ای کسانی که ایمان آورده‌اید: دشمنم و دشمن خود را دوست نگیرید.

۲. وَ مَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَانُ قَوْمِهِ. ✗
ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم.

۳. يَا أُخْتِي، أَنَا لَا أَكْذِبُ؛ لِمَاذَا لَا كَلَامِي؟ ✗
ای خواهرم، من دروغ نمی‌گویم؛ چرا سختم را باور نمی‌کنی؟

۴. يَا بَنِيَّ، مَاذَا تُرِيدُ مِنْ أُمَّكَ؟ لَقَدْ هَا. ✗
ای پسرکم! چه چیز از مادرت می‌خواهی؟ او را به شگفت آورده‌ای.

۵. يَا لَيْتَ السَّمَاءَ عَلَيْنَا كَثِيراً هَذَا الْيَوْمَ! ✗
ای کاش آسمان امروز بسیار بر ما بارد.

لا تُخْبِرُوا لا تَتَّخِذُوا

تَتَعَاوَنُ أَرْتَلْنَا

تُصَيِّرِينَ تُصَدِّقِينَ

حَيَّرْتَ غَيَّرْتَ

يُفْلِقُ تُمَطِّرُ

مستخرج

در بعضی نواحی در پاکستان و در چین اقلیم
بهبود می آید و در بعضی نواحی در هند و در اقلیم آن است.

۵ انحصار
بر سر
و انحصار
کلاس

مضربین استثنای صفت الکلیات القویة و الضعفاء

تبریز

از آن صبح غلظت زرد شود چنانچه در بعضی نواحی قوی است

از آن صبح غلظت زرد شود چنانچه در بعضی نواحی قوی است
تبریز - بلا اقلیم - بلخ
تبریز - بلا اقلیم - بلخ
تبریز - بلا اقلیم - بلخ

مضربین استثنای ترجمه فعلی و مضربین استثنای ترجمه فعلی

استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج
استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج	استخرج

مضربین استثنای صفت القویة و الضعفاء

تبریز

۱. قاضی از و عاقل حق و ...

استخرج

پس سرکند همنا و عاقل حق است و بوی گلشن طلب عزیزش می

استخرج

۲. این شایسته توفیق ...

اگر خدا بخواهد همه ما از مدرسه بعد از دو سال طرح تحصیل می شویم

استخرج

۳. ایها خدا ... زحمتی عن العلی و أنت زحمتی

خدا یا امیر از خلق (مردم) قطع شده است در حالی که تو امیر هستی

استخرج

۴. کان صدیقی ... و الیة المرجع الی البیت

دوستم منتظر پدرش می ماند تا به خانه بر گردد

استخرج

۵. أنا و زمیلی ... زسائل غیر البیت

من و دوستم مقالاتی را از راه اینترنت دریافت کردیم

استخرج

التفخیر فی القاسم ترجم الآيات الثالثة
 در این نامه آیات زیر را ترجمه کن.

﴿ تَزَجُّرُ إِلَهُهِمْ ﴾	﴿ يَوْمَ لَوْنُهمْ ﴾	﴿ سَتَعْلَمُ الدينَ لِلعَمرا ﴾
به سوی آن‌ها برگشتند	آن‌ها را می‌شناسند	کسانی که ظلم کردند خواهند فهمید
﴿ أَعْلَمُ ما لا تعلمون ﴾	﴿ وَ لا تأسوا ﴾	﴿ يقولون سمعنا ﴾
می‌دانم آنچه را که نمی‌دانید	و نا امید نشوید	می‌گویند شنیدیم
﴿ أَكْثَرُهُمْ لا يشكرون ﴾	﴿ استخزجها ﴾	﴿ ارجعني إلى ربك ﴾
بیشترشان شکر نمی‌کند	آن را خارج کرد	به سوی پروردگارت برگرد
﴿ ظلمت نفسی ﴾	﴿ نجعلهم أئمة ﴾	﴿ لا تقدیر علی شیء ﴾
بر خودم ستم کردم	آن‌ها را ائمه قرار می‌دهیم	بر چیزی قادر نیست
﴿ ادعوا الجنة ﴾	﴿ اغسلوا وجوهکم ﴾	﴿ الحفیر لنا و لرحمتنا ﴾
ولرد بهشت شوید	چهره‌هایتان را بشوید	ما را بیامرز و به ما رحم کن
﴿ قال فاخرج منها ﴾	﴿ و اترک البحر ﴾	﴿ یبحث فی الارض ﴾
گفت پس از آن خارج شو	و دریا را رها کن	در زمین جستجو می‌کند

البحث العلمي

تحقیق علمی

ابحث عن قصّة قصيرة باللّغة العربيّة في البائترنت أو مجلّة كتاب و ترجمها إلى الفارسيّة. مُستعينا بِمُعجم عربيّ - فارسيّ.
 داستانی کوتاه به زبان عربی در اینترنت یا مجله یا کتابی تحقیق کن و آن‌ها را به فارسی با کمک لغتنامه عربی به فارسی ترجمه کن.

يَأْتِرْنَا الْقُرْآنَ بِالرَّحْمَةِ ﴿ وَالْمُحْصِنُوا يُحِبُّونَ اللَّهَ جَمِيعًا وَلَا تَلْمِزُوا... ﴾ ان عمارة: ۱۰۴
يَتَجَلَّى انْحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي سُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ الْمُسْلِمُونَ مُنْجَسٌ سُكَّانَ الْعَالَمِ.
يَعْمُرُونَ فِي مَسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمَحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ

قرآن ما را به وحدت امر می‌کند. (و همگی به رحمت خداوند جنگ بزنید و بپراکنده نشوید...) انحاد است اسلامی در شکل‌های
زیادی، از جمله اجتماع مسلمانان در مکانی واحد در حج جلوه‌گر می‌شود. مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند در مساحتی
وسیع از سرزمین چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قَالَ الْإِمَامُ الْعُصَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَامًا يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فاعلموا أَنَّهُ جاهِلٌ أَوْ عالمٌ يُحاولُ نَتِّجُ الخِلافَ بينَ صفوفِ
المُسْلِمِينَ. وَ قَالَ فَإِنْدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِسِيَّةُ:
مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى الشَّرْفَةِ، فَهُوَ عَمِلُ الْقَدْرِ

امام خمینی که رحمت خداوند بر او باد فرمود: هرگاه کسی سخنی را بگوید که بین مسلمانان را تفرقه بآیند پس بدانید که او
نادان است یا عالمی است که برای پراکندن اختلاف بین صف‌های مسلمانان تلاش می‌کند. و رهبر ما ایت‌الله خامنه‌ای فرمودند: هر
کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس او مزدور دشمن است.

گامها

احترام	احترام گذاشت (مضارع)	تجلی	جلوه‌گر شد (مضارع يتجلى)	دگر مرد، نر
يَحْتَرِمُ	مصدر احترام	تعارف	شناخت یافت و معاشرت تا	دگری یادگیری جمع دگربات
احتراف	نگاه داشتن	همدیگر را شناسید، (مضارع)	فرح شاد	فرح شاد
ادفع بالتي هي احسن	با بهترین	يتعارف	مصدر تعارف	مُزَّق پراکنده ساخت (مضارع يُفَرِّقُ
روش بدی آن‌ها را دفع کن		تعايش	همزیستی داشت (مضارع)	مصدر تفریق
إساءة بدی کردن		يتعايش	مصدر تعايش، آن يتعايشوا	تعايش رهبر جمع فائده
استری برابر است (مضارع يستوي)		تعايشاً	سالمتاً که همزیستی	فائده استوار، ایستاده
مصدر استواء		سالمت‌امیز کند،		سُء دشنام داد (مضارع يسئ)
اشرك شریک قرار داد (مضارع)		تفرق	پراکنده شد (مضارع يتفرق)	سَلَمَتاً سلامت‌امیز جمع صلح،
يشرك مصدر اشراك		مصدر تفرق		سواء یکسان
اعتصم چنگ زد (با دست گرفت)		لا تلمزوا	پراکنده نشوید	عذر پذیرفت (مضارع يعلِّز)
(مضارع يعتصم مصدر اعتصام)		جاء	جایز است (مضارع يجوز)	عَلَى سُرِّ العُصُورِ در گذر زمان
أكد تأکید کرد (مضارع يؤكد مصدر)		جالس	همنشینی کرد	عُصُور جمع عصر
تأکید		(مضارع يجالس مصدر مجالسة)		عَمِلَ مزدور جمع عملاء
إكراه اجبار		جمارك	گمرکات، سفره جمرک،	لفضل برتری، فرونی
إن الامر		خيل طناب	جمع خیال،	لدى نزد و لدى نزد هم = ندبهم
آنچه زن، ماده		حرية	آزادی	مائی همراهی کرد (مضارع)
ألا که نه... أَلَا تُعْبَذُ که نپرستیم (آن		حميم گرم و صمیمی		يماشي)
+ لا + تعبد		خلاف اختلاف		مِنْ دُونِ اللَّهِ به جای خدا، به غیر
أبي إساءة هر گونه بدی، هر گونه بی‌ادبی		مُنْسُج یک پنجم		خدا
بش پراکندن		دعا فرا خواند، دعا کرد		مِنْ لَفْظِكَ خواهشمندم
		يدعون فرامی‌خوانند، (مضارع يدعو)		

- عَنِ الصَّحِيحِ وَالْفَطَّاحِ حَسِبَ لَعْنُ الدَّرْسِ. صحیح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کن
۱. يَحْرُزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَالْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْعَقِيلَةِ.
 - ✓ اصرار بر نقاط اختلاف و دشمنی برای دفاع از حقیقت جایز می باشد.
 ۲. رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أُسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
 - ✓ رسالت اسلام بر اساس منطقی و دوری از بدی استوار است.
 ۳. عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا بِلِسْمَتِهِ.
 - ✗ بر همه مردم واجب است که با یکدیگر بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند.
 ۴. يُبْعَضُ الشُّعْرَبُ بِعِلْتِ رَنَكٍ [بُوسْت] بِرِ دِیْگَرَانِ بِر تَرِی دَارْتِد.
 - ✗ برخی از ملتها به علت رنگ [بوست] بر دیگران برتری دارند.
 ۵. رُبَّ شَكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.
 - ✗ یک چهارم از ساکنان جهان از مسلمانان هستند.

توجه درسی

(ادامه مزید) قسمت دوم

در درس قبل یاد گرفتیم فعل ها در حالت عادی، مجرد هستند ولی اگر به وزن یکی از باب ها به کار بروند مزید می شوند. حرف یا حروفی به آن ها اضافه می شود در این درس چهار باب دوم مزید را یاد می گیریم وزن های این باب ها را نیز یاد کنید.

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر
تفاعل	تفاعل	يَتفاعل	تفاعل	تفاعل
تفعیل	فعل	يُفعل	فعل	تفعیل
مفاعلة	فاعل	يُفاعل	فاعل	مفاعلة
افعال	افعل	يُفعل	افعل	افعال

برای آشنایی با کاربرد این باب ها به فعل های هسه - فرخ - جلس - خرج، که در جدول صفحه ۴۰ کتاب درسی در این باب به کار رفته اند توجه کنید.

نکته های ترجمه:

در دو باب افعال و تفعیل معمولاً فعل ها متعدی (گذرا) می شوند یعنی اگر فعلی مجرد خودش لازم (ناگذر) باشد سیر یکی از این دو باب برود متعدی می شود مانند:

خرج ← خارج شد (لازم) به باب افعال ← اخرج خارج کرد (متعدی مفعول پذیر)

نزل ← نازل شد (لازم) به باب تفعیل ← نزل نازل کرد (متعدی مفعول پذیر)

و باب مفاعلة و تفاعل نیز گاهی معنی مشارکت را بیان می کنند یعنی این فعل ها برای انجام شدن به مشارکت بیش از نفر نیاز دارند به همین دلیل در ترجمه آن ها از کلمات «با» یا «یکدیگر» استفاده می شود. مانند:

ضرب محمد هاشماً، محمد، هاشم را زد.

ضارب محمد هاشماً، محمد با هاشم زد و خورد کرد.

جوارث (جواز فی صالۃ التفتیش بالخمارک)
گفت وگوها (گفتگوی در سالن بازرسی گمرک)

الزیرة	شرف الخمارک
زائر	بلیس گمرک
على غنى، يا أخي، ولكن ما هن المشككة؟	احلی می مردم الخفنة إلى هنا
به روی چشم، ای برادرم، ولی مشکل چیست؟	این جمدان را این جا ببور
لا تأش.	تفتیش توسط
اشکالی ندارد.	بازرسی ساده
أسرني.	عقوا لمن هذه الخفنة؟
برای خانوادهام	ببخشید، این جمدان برای کیست؟
لفضل، غفبتی متفوخة للتفتيش.	انصحبها من فضلك.
بفرما، جمدانم برای بازرسی باز است.	لطفاً آن را باز کن.
مرشاه الأستان، و المعجون و الميشقة و العلابش ...	ماذا في الخفنة؟
مسواک و خمیردندان و حوله و لباس ها ...	چه چیزی در جمدان است؟
ليس كتاباً، بل دفتر الذكريات.	يا هذا الكتاب؟
کتاب نیست، بلکه دفتر خاطرات است.	این کتاب چیست؟
حیوب مهذنة، عندي صناع.	ما هذه الحیوب؟
قرص های آرام بخش، سردرد دارم.	این قرص ها چیست؟
و لكن أنا بحاجة إليها جداً.	هذه غير مسوخة.
ولی من واقعاً به آن ها نیاز دارم.	این غیر محارز است.
شكراً.	لا تأش.
تشکر	اشکالی ندارد.
في أمان الله.	رحمتنا و اذمتي.
در امان خدا.	آن ها را جمع کن و برو.

تعريفها

التعريف الأول أي كلمة من كلمات المعجم، ثنائيت التوضيح الثانية؟

تعريف اول کدام کلمه از کلمات لغتنامه با توضیحات زیر تناسب دارد.

۱. رئيس البلاد، الذي يأمر المسؤولين و ينصحهم لإداء واجباتهم.

القائد (رهبر)

رئیس کشور، کسی است که به مسؤولین دستور می دهد و آن ها را بر انجام تکالیفشان نصیحت می کند.

الفصح (مکمل)

التعارف (الإنسان)

العقل (مردود)

الحسن (یک پنجم)

المثل (براهین)

۲. جماعة من الناس يعيشون في بلاد واحدة.

گروهی از مردم که در یک کشور زندگی می کنند.

۳. تَرَافُ التَّمِضِ بِالْمِضِ الْأَخْرَ.

آشنا شدن برخی با برخی دیگر.

۴. الَّذِي يَمْتَلُ بِمُصْلِحَةِ الْعَدُوِّ.

کسی که به نفع دشمن کار می کند.

۵. جُرَّةٌ وَاجِدَةٌ مِنْ طَمَسِيَّةٍ.

یک بخش از پنج است.

۶. نَشْرُ الْعُظْمِ.

انتشار خبر

المشتر من الناصي إجعل في الدائرة العدة المناسب. «كلمة واحدة زائدة»

تمرین دوم: در دایره ها عدد مناسب قرار ده. یک کلمه اضافی است.

۱. ذَاكَ

① كَلِمَةٌ لِلإِشَارَةِ إِلَى الْبَعِيدِ.

آن

آن کلمه ای برای اشاره به دور دست است.

۲. عِنْدِيذٍ

② أَكْثَرُ مِنَ النَّحْرِ كَثِيرًا.

در آن هنگام

بسیار بزرگ تر از دریا

۳. الْفَارِغُ

③ لَيْسَ فِي دَاخِلِهِ شَيْءٌ.

خالی

خالی در درونش چیزی نیست.

۴. الدَّوَامُ

④ قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ.

ساعت کار

بخش تکه ای از زمین

۵. الْبَقَعَةُ

⑤ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ.

تکه ای از زمین

عندئذ در آن وقت

۶. الْمُحِيطُ

اقیانوس

المشترين الثالث: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من الكلمات التالية. «كلمتان زائدتان»

تمرین سوم: در جای خالی کلمه ای مناسب از کلمات زیر قرار ده (دو کلمه اضافی است.)

سوا / الشعب / يعذر / قائمة / فضل / لدي / من دون

۱. لدي جوال تفرغ بطاريتة خلال نصف يوم.

تلفن همراهی دارم که باتری اش در طی نصف روز خالی می شود.

۲. زملاتي في الدرس على حد سوا.

همکلاسی هایم در درس یکسان هستند.

الظَّوْرِيْنَ الْمَسَامِيْحُ تَرْجِمُ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَالْكَتُبَ نَوْحَ الْأَعْمَالِ الَّتِي لَحِثَهَا خَطُّ

تصریح هتتم آیات را ترجمه کن و نوع فعل‌هایی که ریز آن خط می‌باشد را بنویس

۱. قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ حَرْبٍ لِنَعْلَمُوا وَعَلَّمُوا وَتَلْفَهُوا، وَلَا تَسْرَبُوا جَهْلًا، لَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ عَلَى الْجَهْلِ

قلبی که در آن چیزی از حکمت نیست مانند خانه‌ای خراب است. پس باد بگیرد و باد دهد و اندیشه کنسد و نادان نسیرد؛ زیرا خداوند به خاطر نادانی عذر نمی‌دهد.

عَلَّمُوا امر ۰ لا یهدی مضارع

۲. تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَتَعَلَّمُوا لَهُ الشُّكْرَ وَالزُّكْرَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ

علم را یاد بگیرد و برای آن آرامش و شاکت را یاد بگیرد و نسبت به کسی که از او یاد می‌گیرد و به کسی که به او یاد می‌دهد فروتن باشید.

تَعَلَّمُوا امر ۰ تَوَاضَعُوا امر ۰ تَعَلَّمُونَ مضارع

۳. مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسَهُ نَفَعَكَ، وَإِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ، وَإِنْ شَارَكَكَ لَمْ يَنْفَعَكَ

مثل مؤمن مانند عطّار (عطر فروش) است اگر با او همنشینی کنی به تو سود می‌رساند و اگر با او مشارکت کنی به تو سود می‌رساند.

۴. الْأَضْيَاقَةُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٌ قَسَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ وَعَلَى الصَّيْفِ أَنْ يَتَّخِذَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ

مهمانی سه روز است پس هر چه زیاد شود آن (توعی) صدقه است و بر میهمان است که جایجا شود (تعبیر مکان دهد)

۵. لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ

لا تجتمع مضارع

دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسالت و دروغ

الظَّوْرِيْنَ الْمَسَامِيْحُ تَرْجِمُ الْآيَاتِ وَالْكَتُبَ نَوْحَ الْأَعْمَالِ فِيهَا ۰ نَوْحُ الشَّاءِ ۰

تصریح هتتم آیات را ترجمه کن و نوع فعل‌ها را در آن‌ها بنویس.

۱. ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ ابراهیم ۵ ارسلا ماضی اخرج امر

به تحقیق با آیاتمان موسی را فرستادیم که قومت را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج کن.

۲. ﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ انفور ۲۲ انزل ماضی اخرج ماضی

و از آسمان، آبی نازل کرد پس با آن میوه‌ها را روزی برای شما بیرون آورد.

۳. ﴿لَقَدْ وَلِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ البقره ۲۵۷ اموا ماضی اخرج مضارع

خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آن‌ها را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج می‌سازد.

۴. ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ هافر ۵۵ اصبر امر استغفر امر

پس صبر کن، به درستی که وعده خداوند حق است و برای گناهت طلب مغفرت کن.

۵. ﴿وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ﴾ الانشاء ۱-۵ انزلنا ماضی انزل ماضی

و را به حق نازل کردیم و به حق نازل شد.

۶. قالوا اني اظلم ما لا تعلمون البتة قال ماضي اظلم مضارع اظلمون مضارع
گفتند به درستی که من می دانم آن چه را که نمی دانید.

الظلم من الظالمين ضج في الفراغ فعلاً مناسباً.

ضج در جای خالی فعلی مناسب قرار ده.

۱. فند طر الشدبر و نصحننا و ندمننا على غفلتنا الفصح

همدیگر زدیم پس مدیر سرزده وارد شد و ما را نصیحت کرد و ما را از عمل زشتمان پشیمان کرد.

۲. اكرملاء مع بعضي في بداية السنة الدراسية.

همکلاسی ها در آغاز سال تحصیلی با همدیگر آشنا می شوند.

۳. ندم أخي الصغير من غفلة الشيء له.

برادر کوچکم از کار بدش پشیمان شد پس از او عذر پذیرفتم.

۴. تعاشروا كالأخوان و كالأجانب.

مانند برادران با یکدیگر معاشرت کنید و مانند بیگانگان با یکدیگر معامله کنید.

۵. الجندی أسرته عبرة الإنترنت.

سربرار با خانواده اش از طریق اینترنت نامه نگاری کرد.

الضمر من الضامع ترجم أفعال فذا الجدول و مصادرها.

ضمیمه فعل های این جدول و مصدر هایشان را ترجمه کن.

ضربنا نضاربنا

يعرفون يتعارفون

اعتذرت غذرت

تعاملوا اعملوا

كتب كاتب

الضمر	المصدر	المضارع	الماضي
ضج	الضج	يضح	ضح
تشويق	التشويق	يتشويق	تشويق
مساعد	المساعدة	يساعد	ساعد
تسائل	التسائل	يتسائل	تسائل
استلم	الاستلام	يستلم	استلم
استخدم	الاستخدام	يستخدم	استخدم
استعجب	الاستعجاب	يستعجب	استعجب

الدرس الخامس

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ الْعِنَاكُ ۚ
يَوْمَ هَر زَمِين حركت كويد پس بنگرید چگونه خلقت آغاز شد

« هذا خلق الله »

این آیه را مشاهده کنید

الغواصون الذين ذهبوا إلى أعماق المحيط ليلاً، شاهدوا نباتات المصابيح الكهروكيميائية ذات الزوايا متعددة التي تبعث ضوءها من الأسماك المضيئة، وتحوّل ظلام البحر إلى نهار نضج، يستطيع فيه الغواصون البقاء مشهور في أعماق هذه الأسماك. اكتشف العلماء أنّ هذه الأضواء تنبعث من فرج من البكتيريا المضيئة التي تعيش تحت طيون تلك الأسماك. هل يمكن أن يستفيد البشر يوماً من تلك المعجزة البحرية، ويستعين بالبكتيريا المضيئة لإضاءة النذون؟

خواصی که شبانه به اعمال اقیانوس رفتند، صدها چراغ برقی با رنگ‌های گوناگونی که نورش از ماهی‌های درخشان فرستاده می‌شود را دیدند و تریکی دریا را به روزی روشن تبدیل می‌کند که غواصان در آن می‌توانند در نورهای این ماهی‌ها عکس بگیرند دانشمندان کشف کردند این نورها از نوعی باکتری نورانی که در زیر چشمان آن ماهی زندگی می‌کنند فرستاده می‌شود. آیا ممکن است روزی بشر از آن معجزه دریایی استفاده کند از باکتری نورانی برای روشن کردن شهرها کمک بگیرد؟

رُشَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، إِنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَهُ»

چه بسا آن را بتواند برای این که هر کس چیزی را بخواهد و تلاش کند آن را می‌یابد،

إِنَّ إِبْنَ الْقَطِّ يَلَّاحُ طَيْئِ دَائِمٍ، إِنَّهُ سَلَوَةٌ بَعْدَ تَقَرُّرٍ سَائِلًا مُطَهَّرًا، لِيُطْفِئَ الْقَطَّ جُرْعَةً عِدَّةً مَرَاتٍ حَتَّى يَسْتَمِرَّ

همانا زین گربه سلاخی پزشکی دائمی است زیرا بر از غده‌هایی است که مابعی پاک‌کننده ترشح می‌کند پس گربه و خموش را چندین بار می‌سید تا بهبود یابد.

بِإِنْ بَصَرَ الطُّيُورِ وَالْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِفَرِيضَتِهَا الْأَعْمَاشِ الطَّبِئَةِ وَتَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الشَّائِبَ لِلرِّقَابَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الشَّخِطِيَّةِ، وَقَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْفَرَاحِ الطَّبِئَةِ كَثِيرٍ مِنَ الشَّيْءَاتِ الْبَرِيَّةِ وَغَيْرِهَا.

همانا بعضی از پرندگان و حیوانات باغریزه خود گیاهان دارویی را می‌شناسند و می‌دانند چگونه گیاه مناسب را برای پیشگیری از بیماری‌های مختلف به کار ببرند و این حیوانات انسان را به خواص پزشکی بسیاری از گیاهان صحرائی و غیر آن‌ها راهنمایی کرده‌اند.

إِنَّ أَعْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى انْتِلاكِهَا لِلْعَبَةِ خَاصَّةً بِهَا، لِيُطْفِئَ لَعْنَةَ عَائِمَةٍ تَسْتَطِيعُ مِنْ جَلَالِهَا أَنْ تَتَقَامَمَ نَحْ بِعَصَا، فَلِلْفَرَابِ صَوْتٌ يُحْذِرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَتَبَعَهُ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهِيَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْعُقَابَةِ.

همانا بیشتر حیوانات علاوه بر این که زبان خاصی به خود دارند، زبانی مشترک دارند که از طریق آن می‌توانند استظور آهنگ را بجهتند پس کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه حیوانات هشدار می‌دهد تا به سرعت از منطقه خطر دور شوند، پس او به منزله جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

لِلْحَيْطِ حُرْمَاتٌ طَبِئِيَّةٌ بِالْقَرَبِ مِنْ أَدْنَابِهَا تَحْتَوِي زَيْتاً خَاصّاً يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.

لرودک مخزن‌هایی طبیعی نزدیک دم‌هایش دارد که حاوی روغن خاصی است که بر بدنش پخش می‌شود پس تحت تأثیر آب قرار نمی‌گیرد.

تَسْتَطِيعُ الْجِرَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَهَا فِي أَتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحْرِكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُرَى فِي أَتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ
 افتاب پرست می تواند دو چشم خود را در جهت های مختلف بچرخاند بدون این که سرش را حرکت دهد در حالی که او می تواند
 یک زمان در دو جهت ببیند.
 لَا تُحْرِكُ عَيْنَ الْبُرْمَةِ، فَإِنَّهَا نَائِبَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُغْوِضُ هَذَا النَّعْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَمَا
 دُونَ أَنْ تُحْرِكَ جَسَدَهَا.
 چشم جغد حرکت نمی کند، زیرا آن ثابت است ولی او این نعص را با حرکت دادن سرش در هر ناحیه ای جبران می کند و می تواند
 سرش را به شکل دایره ای کامل بچرخاند بدون این که تنش را حرکت دهد.

کلمات

(بضارع بدل)	ابتعد فرستاده شد	(بضارع دور شد)
دور آن می آن که	(بضارع يتبع مصدر ابتعاد)	(بضارع يتبع مصدر ابتعاد)
دور آن بخیزد می آن که حرکت	أشدا سرود	أشدا جهت
دهد	(بضارع يثبث مصدر إشاد)	إحتوى دربر داشت
کسی نم جمع ادناب،	بارک الله فیک الفریں بر تو	(بضارع يحتوي مصدر احتواء)
لینت روغن جمع زیتون،	بزی خشکی	أدار چرخاند، اداره کرد
سار حرکت کرد (بضارع يسير)	بط اردی	(بضارع يدور مصدر إدارة)
حیوان حرکت کنید	بکسریا باکتری	استطاع توانست (بضارع يستطيع)
سائل مایع (از حروف اصلی س ی ل)	بوم جغد	مصدر استطاعة)
صدور سینه ها مصدر صدر،	تأثر تحت تاثیر قرار گرفت	استعان یاری جست
ضوء نور جمع أضواء،	(بضارع يتأثر مصدر تأثر)	(بضارع يستعين مصدر استعانة)
فلام تاریکی	تحزک حرکت کرد	إضافة إلى الفروع ير
تعوض جبران کرد	(بضارع يتحزك مصدر تحزك)	أشباب طبیب گیاهان دارویی
(بضارع يعوض مصدر تعويض)	حزک حرکت داد	مصدر غش طیتی،
قط گربه	(بضارع يحزك مصدر تحريك)	أقرن ترشح کرد
مضي نورانی	حوال تبدیل کرد	(بضارع يقرن مصدر إقران)
مظهر پاک کننده	(بضارع يحول مصدر تحويل)	التام بهبود یافت
وقایه پیشگیری	لجرح زخم	(بضارع يلتئم مصدر التام)
أبق لیسید (بضارع يلقق)	جزباء افتاب پرست	التقاط صور عکس گرفتن
ملك مالک بود، دارد، فرمانروایی	جزائة انبار جمع جزائات،	إدارة نورانی کردن
کرد (بضارع يملك)	دل راهنمایی کرد	

عَنْ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ

جمله صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن

۱. بِالرَّافَةِ صَوْتٌ يُحَذِّرُ الْخِيَوَانَاتِ حَتَّى تَتَجَنَّبَ عَنِ الْخَطَرِ

رافه صدایی دارد که به حیوانات هشدار می دهد تا از خطر دور شوند.

۲. تُعْرَضُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ فَلَاَمَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ

ماهی های نورانی تاریکی دریا را به روز نورانی تبدیل می کنند.

۳. تَسْتَطِيعُ الْجِرْيَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي الْأَجَاوِ وَاجِدٍ

افتاب پرست دو چشم خود را در یک سمت می چرخاند.

۴. لِسَانُ الْبَطْرِ سَلْوَةٌ يَهْدُوهُ تَفَرُّقُ سَائِلَاتِ مُطَهَّرًا

زبان گربه بر از عذده هایی است که مابقی پاک کننده ترشح می کند.

۵. لَا تَعِشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ

موجودات زنده آبی در اعماق اقیانوس زندگی نمی کنند.

۶. يَتَخَرَّكُ رَأْسُ الْبُورَةِ فِي الْأَجَاوِ وَاجِدٍ

سر جغد در یک جهت حرکت می کند.

شواهد درسی

جمله فعلیه و جمله اسمیه

جمله فعلیه جمله ای است که با فعل شروع شده است اجزای جمله فعلیه (فعل + فاعل + (گاهی) مفعول +

مانند

فاعل کسی یا چیزی است که فعل را انجام داده (البته باید بعد از فعل قرار گیرد نه قبل از آن)

مفعول کسی یا چیزی است که فعل در مورد آن انجام شده است. مانند:

يُرْسِلُ الْخَالِقُ السَّيَّ (آفریدگار، پیامبر را می فرستد) يَرْجِعُ الْمَسَافِرَ (مسافر باز می گردد)

فعل مفعول فعل فاعل

جمله اسمیه: جمله ای است که با اسم شروع شده است.

اجزای جمله اسمیه: مبتدا + خبر،

مبتدا: اسمی که در شروع جمله آمده است.

خبر: کلمه ای که معنی مبتدا را کامل می کند و خبر می دهد. خبر گاهی اسم و گاهی فعل است، مانند

أَدَّتْ رَيْثَةً الْمَسَافِرُ يَرْجِعُ الْخَالِقُ رَحِيمٌ

مبتدا خبر

مبتدا خبر

مبتدا خبر

ادب، زینت است.

مسافر باز می گردد.

آفریدگار، مهربان است.

گاهی بعد از نقش های اصلی (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر) ممکن است صفت یا مضاف الیه قرار گیرد در این صورت کلمه قبلی

علاوه بر نقش اصلی اش، موصوف یا مضاف نیز محسوب می شود. مانند

أَدَّتْ الْإِنْسَانُ زَيْنَةً كَبِيرَةً ادب انسان، زینت بزرگی است.

مبتدا مضاف الیه خبر صفت

يُرْسِلُ خَالِقُ النَّاسِ السَّيَّ الصُّورَ آفریدگار مردم، پیامبر صور را می فرستد

فعل مبتدا مضاف الیه مفعول مبتدا

اَشْتَبِرُ نَفْسَكَ عَيْنِ الْجَمَلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْجَمَلَةُ الْاِسْمِيَّةُ. ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَثَلَوَّةِ
خودت را بیازمای، جمله فعلیه و جمله اسمیه را مشخص کن، سپس محل اعراب کلمات رنگی را ذکر کن.

۱. ﴿ يَضْرِبُ اللهُ السَّمَانَ لِلنَّاسِ ﴾ (جمله فعلیه) الله فاعل السمان مفعول
و خداوند مثل ها برای مردم می زند.

۲. ﴿ الْعِلْمُ خِرَانٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ ﴾ (جمله اسمیه) العلم مبتدا خیران خبر مفتاح مبتدا السؤل خبر
علم گنجینه است و کلید آن سؤال است.

۳. ﴿ اِصْاعِبُ الثَّمَرِ صَبْغَةٌ ﴾ (جمله اسمیه) اصاعب مبتدا غصه خبر
تباه کردن فرصت صبغه است.

اَشْتَبِرُ نَفْسَكَ تَرْجِمُ الْآيَةَ وَ الْاَحَادِيثَ ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَثَلَوَّةِ

خودت را بیازمای آیه و حدیث ها را ترجمه کن سپس محل اعرابی کلمات رنگی را مشخص کن.

۱. ﴿ وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْاَحْرَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ ﴾ لا احزاب ۲۲ المؤمنون مفعول الله فاعل
هنگامی که مؤمنان احزاب را دیدند، گفتند این چیزی است که خداوند به ما وعده داد.

۲. ﴿ اَلْحَسْبُ يَأْكُلُ الْغُسَّاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْعَطْبَ ﴾ رسول الله (ص) الحطب مبتدا العاطب فاعل الحطب مفعول
حسد، خوبی ها را می خورد همان طور که آتش هیرم را می خورد.

۳. ﴿ مَا قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئًا اَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ ﴾ رسول الله (ص) الله فاعل اشياء مفعول
خداوند چیزی را برای بندگانش بهتر از عقل قسمت نکرد.

۴. ﴿ تَوَمَّ عَلَى عِلْمٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَى جَهْلِ ﴾ رسول الله (ص) توم مبتدا خیر خبر
حوایسین با علم بهتر از نماز با نادانی است.

۵. ﴿ تَمْرَةُ الْعِلْمِ اِخْلَاصُ الْعَقْلِ ﴾ امیرالمؤمنین علی (ع) تمرة مبتدا اخلاص خبر
نتیجه علم خالص کردن عمل است.

اَشْتَبِرُ نَفْسَكَ تَرْجِمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. خُودَت رَا بِيَاژِمَايَ، بَه فَارِسِي تَرْجِمَه كِن.

۱. ﴿ اَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ اَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴾ يس ۸۱
آیا کسی که آسمان ها و زمین را آفریده قادر نیست به این که مانند شما را خلق کند. بله او بسیار آفریننده و داناست.

۲. ﴿ قُلْ اِنَّ اللهَ قَادِرٌ عَلَىٰ اَنْ يَنْزِلَ آيَةً وَ لَكِنْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴾ النعام ۳۷
بگو، خداوند قادر است بر این که آیه ای نازل کند ولی بیشتر آن ها نمی دانند.

۳. ﴿ رَبِّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ ﴾ هود ۲۷
پروردگارا، همانا من به تو پناه می آورم که از تو بخواهم آن چه که به آن آگاهی ندارم.

۴. ﴿ يُرِيدُ اَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ اَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْتُرُونَ ﴾ الماعز ۱۱۰
می خواهد که شما را از سرزمینتان خارج کند پس چه امر می کنید

۵. ﴿ اَخَاثُ اَنْ يَأْكُلَهُ الذُّبُّ وَ اَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴾ يوسف ۱۳
می ترسم که گرگ او را بخورد در حالی که شما از او غافل یائید

۶. ﴿ اِنَّا نَطْمَعُ اَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَا
همانا ما طمع داریم (انتظار داریم) که پروردگاران خطاهایمان را برای ما ببامرد.

جوارش اجزای مخ سائق ستاره اجاره
گفتند گوها (گفتگوی با راننده تاکسی)

سائق
گردشگر

سائق ستاره اجاره
راننده تاکسی

أنا في خدمتكم فضلا
من در خدمت شما هستم بفرمایید

أيتها السائق، كريد أن تذهب إلى المدائن
راننده من خواهيم به مدائن برويم

أطلق المسافة سبعة و ثلاثين كيلومترا بحيث لم ندهون إلى
هناك؟
کمان می گم سی و هفت کیلومتر باشد، عجیب است چرا به
ان جا می روید؟

كم المسافة من بغداد إلى هنا؟
مسافت از بغداد تا آن جا چقدر است؟

لأنه لا تذهب إلى المدائن إلا قليل من الزمان
برای این که جز تعداد اندکی از زانین به مدائن نمی روند.

زيارة طرف سلمان الفارسي و مشاهدة طاق كسري، لماذا
تتجسس؟
برای زیارت مرقد سلمان فارسی و دیدن طاق کسری، چرا
تجسس می کنی؟

زيارة مقبولة للجميع أ تعرف من هو سلمان الفارسي أم لا؟
زیارت همه قبول باشد، آیا می دانی که سلمان فارسی کیست
یا نه؟

في البداية تتعرفنا بزيارة العتبات المقدسة في النجف الأربعة
كربلاء و النجف و سامرة و الكاظمية.
در ابتدا به زیارت عتبات مقدس در شهرهای چهارگانه
(کربلاء - نجف - سامرا و کاظمین) مشرف شدیم

أحسنتا و هل لك معلومات عن طاق كسري؟
آفرین آیا معلوماتی درباره طاق کسری داری؟

نعم، أعرّفه بأنه من أصحاب الشئ (ع) و أصله من إصفهان
بله، او را می شناسم، همانا او از باران پیامبر (ص) است و
اصل او از اصفهان است.

ما شاء الله! بآزك الله فيك! معلوماتك كثيرة!
ما شاء الله! آفرین بر تو! معلومات تو زیاد است!

بالتأكيد! إنه أخذ قصور الملوك الساسانيين قبل الإسلام. قد
أنتد شاعران گبران قصیدتین عند مشاهدتهما ایوان
کسری: الثحرتي من أكثر شعراء العرب، و خاقاني، الشاعر
الایراني

الته قطعاً أن یکی از قصرهای پادشاهان ساسانی قبل از
اسلام است. دو شاعر بزرگ، دو قصیده‌ای هنگام دیدن شان
از ایوان کسری سروده‌اند، بحتری از بزرگ‌ترین شاعران
عرب، و خاقانی، شاعر ایرانی

تورون

الذمر من الاول أي كلبه من كلمات الضم. ثواب التوضيحات التالية؟
نمر من اول کدام کلمه از کلمات فرهنگ لغت با توضیحات زیر تناسب دارد؟

(البومة) (جعد)

۱- طائرٌ يسكن في الأماكن المتروكة ينام في النهار و يخرج في الليل.

پرنده‌ای است که در مکان‌های متروکه زندگی می‌کند که در روز می‌خوابد و در شب بیرون می‌رود.

(الذئب) (دم)

۲- عضوٌ خلف جسم الخوتان يخرجُ غالباً لطرد الغشرات.

عضوی در پشت بدن حیوان است که غالباً آن را برای راندن حشرات حرکت می‌دهد.

(المنادى) (البهاران دارویی)

۳- نباتاتٌ مفيدةٌ للمعالجة تستخدم منها كدواء.

گیاهانی مفید برای درمان، که از آن‌ها مانند دارویی استفاده می‌کنیم.

(الخط) (الركب)

۴- طائرٌ يعيش في الترع و الماء.

پرنده‌ای که در خشکی و آب زندگی می‌کند.

(الغلام) (الركب)

۵- عدم وجود الصور.

نبودن نور

(البارة) (نور ناهن)

۶- نشر التور.

پخش نور

الضمير الثاني ترجم إلى الفارسي.

نمرین دوم به فارسی ترجمه کن.

۱- في كثير من الأوقات يتأثر بعضنا بعض.

در بسیاری از وقت‌ها بعضی از ما تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند.

۲- خير نجاح فريقنا اننا انشابة وملانا.

خبر موفقیت تیم ما توجه همکلاسی‌هایمان را برانگیخت.

۳- كان الطلاب يساعده بعضهم بعضاً.

دانشجویان به یکدیگر کمک می‌کردند.

۴- التقطنا صوراً في الشفرة العلمية.

در سفر علمی عکس‌هایی گرفتیم.

۵- كان جرح الجندي يلتئم.

زخم سرباز بهبود می‌یافت.

۶- أستعين بالله في حياتي.

در زندگی‌ام از خداوند یاری می‌جویم.

التصريح الثالث: حُوت الكلمة التي لا تُناسب الكلمات الأخرى المعنى مع بيان الشبه
 تصريح سوم: كلماني كه با كلمات ديگر در معنی تناسب ندارند را با بيان علت مشخص كن

<input type="checkbox"/> ۱. غراب	<input type="checkbox"/> بَطْ	<input type="checkbox"/> بوقه	<input type="checkbox"/> لُضْرَة
كلاج	اردک	جغد	ترونازه
<input type="checkbox"/> ۲. كَلْب	<input type="checkbox"/> جِزْبَاء	<input checked="" type="checkbox"/> لُغَايَة	<input type="checkbox"/> بَطْ
سگ	آفتاب پرست	زباله	گربه
<input checked="" type="checkbox"/> ۳. حُضْس	<input type="checkbox"/> فِطْر	<input type="checkbox"/> مُضْن	<input type="checkbox"/> نُفْر
بک پنجم	پوست	شاخه	میوه
<input type="checkbox"/> ۴. فَر	<input checked="" type="checkbox"/> جُرْح	<input type="checkbox"/> ذَهَب	<input type="checkbox"/> بَهْثَة
مروریه	زخم	طلا	نقره
<input type="checkbox"/> ۵. رَيْث	<input type="checkbox"/> مَاء	<input checked="" type="checkbox"/> رُجَاجَة	<input type="checkbox"/> شَاي
روغن	آب	شیشه	چای
<input type="checkbox"/> ۶. سَوِيَاء	<input checked="" type="checkbox"/> سَلْمِيَاء	<input type="checkbox"/> شَهْرَاء	<input type="checkbox"/> أُسْرَعِيَاء
سالیانه	مسالمت آمیز	ماهیاره	هفتگی
<input type="checkbox"/> ۷. هَائِف	<input type="checkbox"/> سَكِيْف	<input type="checkbox"/> سَجَل	<input checked="" type="checkbox"/> صَبْر
تلخ	کولر	دستگاه ضبط	گردانید
<input checked="" type="checkbox"/> ۸. رِقَايَة	<input type="checkbox"/> عَزِيَة	<input type="checkbox"/> طَائِرَة	<input type="checkbox"/> حَائِلَة
پیشگیری	واکن	هواپیما	اتوبوس

التصريح الرابع: عَيَّنَ الحُمْلَةَ الفِعْلِيَّةَ وَ الإِسْمِيَّةَ. ثُمَّ المَحَلَّ البَاعِرَابِيَّ لِلكَلِمَاتِ المُتَوَلِّدَةِ وَ إعرابها.

تصريح چهارم: جمله فعلیه و اسمیه را مشخص کن. سپس محل اعراب برای کلمات رنگی و اعرابش را مشخص کنی.

۱. ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ اَنْفُسَكُمْ﴾ الآية ۵۳ (فعلیه) موسى فاعل الفاعل مفعول

و هنگامی که موسی به قومش گفت: ای قوم من همانا شما به خودتان ظلم کردید.

۲. ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْاٰخِرِيْنَ﴾ الآية ۸۲ (فعلیه) لسان مفعول

و برای من یاد نیکو در (میان) آیندگان قرار ده.

۳. اَلسُّكُوْتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رسول الله (ص) (اسمیه) السُّكُوْتُ مبتدا الفاعل خبر

سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.

۴. جَمَالُ الْمَرْءِ فِصَاخَةُ لِسَانِهِ. رسول الله (ص) (اسمیه) المرء مضاف الیه / لسان مضاف الیه

زیبایی انسان، شیوایی زبانش است.

التصويين الخامس عشر: عَيْنُ الْكَلِمَاتِ الشَّرَائِقَةُ وَ الْمُضَادَّةُ
 تصویب پنجم: کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن.

إِسْطَاعٌ - قَدِرَ	بَلِمَ - حَرِبَ	اِقْتَرَبَ - اِسْتَعَدَّ	اِحْسَانٌ - اِسَاءَةٌ
توانست	صلح	نزدیک شد	نیکبختی
فَارِعٌ - مَمْلُوءٌ	ظَلَامٌ - ضِيَاءٌ	أَعْلَقَ - لَفَحَ	لُغَاةٌ - زُبَالَةٌ
خالی	تاریکی	هست	زباله
غَيْمٌ - سَحَابٌ	حُجْرَةٌ - عُرْفَةٌ	قَدَّزْتُ - رَمَيْتُ	قُرْبٌ - بَعْدٌ
ابر	اتاق	پرتاب کرد	نزدیک
فَرِحَ - خَزِينٌ	مِنَ فُضْلِكَ - رِجَاءٌ	سَأَلَ - جَاءَكَ	جَاهِزٌ - حَاضِرٌ
خوشحال	ناراحت	سوال	آماده

التصويين السادس عشر: اَكْتُبْ اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ
 تصویب شانزدهم: اسم هر عکس را در جای خالی بنویس.

الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطاووس / الجرباء / البقرة



دَتَبَ الطاووس حَيْلٌ
 دم طاووس زیبا است.



يُرْسِلُ الْغُرَابُ أَخْبَارَ الْغَايَةِ
 کلاغ خبرهای جنگل می فرستد.



تُعْطِي الْبَقْرَةُ الْعَلْبِيبَ
 گاو شیر می دهد.



الْبَطُّ طَائِرٌ مَائِيٌّ
 اردک پرنده آبی است.



يَحْفَظُ الشَّرْطِيُّ الْأَمْنَ بِالْكِلَابِ
 پلیس امنیت را با سگ ها حفظ می کند.



الجرباء ذاتُ عَيْنَيْنِ مُتَحَرِّكَتَيْنِ
 آفتاب پرست چشمانی متحرک دارد.

التصويين السابع عشر: عَيْنُ الْفَاعِلِ وَ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُتَوَكِّفَةِ.

تصویب هفتم: فعل و فاعل و مفعول را در کلمات رنگی مشخص کن.

۱. ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح ۲۶ الله فاعل / سَكِينَةٌ مفعول

پس خداوند آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد.

۲. ﴿لَا أُنَبِّئُكَ لِتَتَّخِذَ الْإِسْلَامَ دِينًا وَلَا تُنْفِقَ مِنْهُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الماعز ۱۸۸ نفعا مفعول

برای خودم سود و ضرری ندارم جز آن که خدا بخواهد.

۳. * وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ * (سوره انعام ۷۸) مبتدا مفعول متعلق مفعول
و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد.

۴. * وَلَا يَظْلِمُ زُبُكًا أَحَدًا * (سوره انفصاف ۲۹) فاعل / مبتدا مفعول
و پروردگارت به کسی ظلم نمی کند.

۵. * يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ * (سوره البقره ۱۸۵) فاعل / المفعول
خداوند برای شما آسانی را می خواهد.

۶. * يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ * (سوره النور ۲۵) فاعل
و خداوند هر آن چه را که می خواهد، می آفریند.

المفرد من الثامن عشر غيبن الشبداً و الخبر في الأحاديث التالية

نمونه هشتم: مبتدا و خبر را در حدیث های زیر مشخص کن

۱. * أَلْتَدُمُ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ النَّدَمِ عَلَى الْكَلَامِ * (سوره النجم ۳۰) مبتدا خبر
پشیمانی از سکوت بهتر از پشیمانی از سخن است.

۲. * أَكْبَرُ الْحَقِّقِ الْإِعْرَاقُ فِي السَّدْحِ وَالذُّمُّ * (سوره النجم ۳۰) مبتدا خبر
بزرگ ترین حماقت زیاده روی در ستایش و سرزنش است.

۳. * دَتَبَ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَ أَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ * (سوره النجم ۳۰) مبتدا خبر
یک گناه زیاد است و هزار اطاعت کم است.

۴. * سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ * (سوره النجم ۳۰) مبتدا خبر
سرور و بزرگ قوم، خدمتگزار آن ها در سفر است.

۵. * أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ * (سوره النجم ۳۰) مبتدا خبر
علم شکار است و نوشتن بستن آن است.

۶. * أَلصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ * (سوره الصلوة ۲۰) مبتدا خبر
نماز کلید هر خوبی است.

المفرد من التاسع عشر ترجم الجمل التالية ثم غيبن التحل الأعرابي للكلمات الملوثة

نمونه نهم: جملات زیر را ترجمه کن سپس محل اعرابی برای کلمات رنگی را مشخص کن

(مبتدا و خبر و مفعول و فاعل و مضاف إليه)

۱. * أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ * (سوره البقره ۲۲) فاعل / مفعول / مفعول
ای مردم را به نیکی امر می کنید و خودتان را فراموش می کنید.

۲. * لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا * (سوره البقره ۲۸۶) فاعل / مفعول
خداوند تکلیف نمی دهد به کسی جز به اندازه توانش.

۳. * أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ * (سوره البقره ۲۸۶) مبتدا مفعول / مضاف
محبوب ترین بندگان خداوند نزد خداوند سودمندترین آن ها برای بندگانش است.

۴. نَظَرَ الزَّالِمَ إِلَى وَالِدِهِ خُبًّا لَهَا عِبَادَةٌ. (رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم) مبتداً **عِبَادَةٌ** خبر

نگاه فرزند به پدر و مادرش به خاطر عشق به آن‌ها، عبادت است.

۵. حَسَنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. (ابن عمر) **الْأَدَبُ** مضاف الیه **يَسْتُرُ** مفعول

با ادب، بدی اصل و نسب را می‌پوشاند.

۶. عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (عبدالله) مبتداً **الْجَاهِلِ** مضاف الیه

دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.

الْمَشْرُومُ الْعَاقِلُ عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ

نبروی دهم: جواب صحیح را مشخص کن.

- | | | | | | | |
|-------------------------------------|---------------|-------------------------------------|---------------|-------------------------------------|---------------|---|
| <input checked="" type="checkbox"/> | يَنْقُذُ | <input type="checkbox"/> | يَنْقُذُ | <input type="checkbox"/> | يَنْقُذُ | ۱. الماضی من يَنْقُذُ |
| <input type="checkbox"/> | يَنْبَغِثُ | <input type="checkbox"/> | يَنْبَغِثُ | <input checked="" type="checkbox"/> | يَنْبَغِثُ | ۲. المضارع من يَنْبَغِثُ |
| <input type="checkbox"/> | يَنْقَلِمُ | <input checked="" type="checkbox"/> | يَنْقَلِمُ | <input type="checkbox"/> | يَنْقَلِمُ | ۳. المصدر من يَنْقَلِمُ |
| <input type="checkbox"/> | يَنْهَضُ | <input type="checkbox"/> | يَنْهَضُ | <input checked="" type="checkbox"/> | يَنْهَضُ | ۴. التَّمَرُّزُ من يَنْهَضُ |
| <input checked="" type="checkbox"/> | يَنْتَقِرُونَ | <input type="checkbox"/> | يَنْتَقِرُونَ | <input type="checkbox"/> | يَنْتَقِرُونَ | ۵. التَّمَرُّزُ من يَنْتَقِرُونَ |
| <input type="checkbox"/> | يَنْتَرِقُ | <input checked="" type="checkbox"/> | يَنْتَرِقُ | <input type="checkbox"/> | يَنْتَرِقُ | ۶. عَلَى وَجْهِ التَّمَرُّزِ |

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

تحقیق علمی

ابحث عن نص تصير علمي اللغة العربية حول خلق الله، ثم ترجمه إلى الفارسية، مستعيناً بمعجم عربي - فارسي. متن کوتاهی علمی به زبان عربی درباره خلقت خداوند تحقیق کن، سپس آن را به کمک فرهنگ لغت عربی به فارسی ترجمه کن.

الدروس السادسة

قل سرودا إلى الأرض فالظروا كيف كان هابطة الذين من قبل

بگو در زمین حرکت کنید سپس بنگرید عاقبت کسانی که پیش از شما بودند چگونه بوده است.

العالم الخلابه

إن إيران من الدول الجميلة في العالم و المشهورة بالكثير من المناطق الخلابه و المعالم التاريخية و الثقافية و فيها صناعات يدوية تجذب السائحين من كل العالم

ایران از کشورهای زیبا در جهان و مشهور به (داشتن) بسیاری از مناطق جذاب و آثار تاریخی و فرهنگی است و در آن صنایع دستی وجود دارد که گردشگران را از سراسر جهان جذب می کند.

شهدت إيران في السنوات الأخيرة نموا ملحوظا في السياحة، فهي تستطيع أن تحصل من السياحة على ثروة عظيمة بعد التطوير بعض السائحين إيران بندا ممتازا لفضاء القطرات

ایران در سال های اخیر شاهد رشد قابل ملاحظه ای در گردشگری بود و آن می تواند از گردشگری ثروت عظیمی را بعد از نفت به دست آورد. برخی از گردشگران، ایران را کشور ممتازی برای گذراندن تعطیلات می دانند (می بیند).

قامت منظمة اليونسكو بتسجيل مدن و مناطق ثقافية و تاريخية إيرانية في قائمة التراث العالمي، لأنها تجذب كثيرا من السائحين إليها.

سازمان یونسکو به ثبت شهرها و مناطق فرهنگی و تاریخی ایران در لیست میراث جهانی اقدام کرد زیرا آن ها بسیاری از جهانگردان را به سوی خود جذب می کنند.

من آثار و المعالم التاريخية في إيران

آثار بريسوليس و مقبرتا حافظ و سعدي في محافظة فارس، و «طاق بستان» و «كتيبة بيستون» في محافظة كرمانشاه، و مرقد الإمام الرضا (ع) و مرقد الفردوسي في مشهد، و مرقد السيدة معصومة (ع) بمدينة قم، و قلعة «فلک الافلاک» في خرم آباد، و قلعة الوالي و غابات البلوط في ايلام و «حمام گنجعلي خان» في محافظة کرمان المشهورة بإنتاج الأستق و الشجاي و شلالات شوستر و مقبرة النبي دانيال (ع) في خوزستان، و مرقد ابن سينا العالم المشهور في العالم، و كهف علي صدر و هو من أطول الكهوف المائية في العالم في همدان، و العمارات الأثرية في إصفهان و قد سجلتها منظمة اليونسكو الدولية في قائمة التراث العالمي، أما المحافظات الشمالية الثلاث على شاطئ بحر قزوين (Caspian) فرابغة بساطرها الجميلة، فهي شائبة للبطاقات البريدية، و كأنها قطعة من الجنة.

آثار تاریخی در ایران: آثار پرسپولیس (تخت جمشید) و دو آرامگاه حافظ و سعدی در استان فارس، و «طاق بستان» و «کتیبه بیستون» در استان کرمانشاه و مرقد امام رضا (ع) و آرامگاه فردوسی در مشهد، و مرقد حضرت معصومه (س) در شهر قم و قلعه «فلک الافلاک» در خرم آباد و قلعه والی و جنگل های بلوط در ایلام و «حمام گنجعلی خان» در استان کرمان که در تولید یسته و فرش مشهور است و آبشارهای شوستر و مرقد دانیال نبی (ع) در خوزستان و آرامگاه ابن سینا دانشمند مشهور در جهان، و غار علی صدر در همدان که از طولانی ترین غارهای آبی در جهان است و بناهای تاریخی در اصفهان در حالی که سازمان جهانی یونسکو آن را در لیست میراث جهانی ثبت کرده است، اما استان های سه گانه شمالی در ساحل دریای خزر (کاسپین) با منظره های زیبایش واقعا

جالب است و آن‌ها برای کارت پستال، مناسب هستند و گویی قطعه‌ای از بهشت هستند. *لا ینبذ من تألیف کتاب عظیم لإحصاء مناطق الجذب السياحي في إيران، نذكر قسماً آخر منها* ناگزیر کتاب بزرگی برای شمارش مناطق دارای جاذبه جهانگردی در ایران، (باید) تألیف کرد، بخش دیگری از آن‌ها را ذکر می‌کنیم *بزره و خلوتاتها و مناطقها الصحراوية، و تبريز و سوقها المشهوره بأهله أکثر سوقی تشتقب في العالم، فيه سكان واسع لیبح السياحيين و الذهب، و مدينة قائن بلد الذهب الأحمر الزعفران، و غابة خزا في جزيرة قشم، و الشاطئ الصخري لعیناء شابهة و کلبه سهولان في مهاباد، و بحيرة زریبار في مریوان، و قبة سلطانية في زنجان، و شخف الثراب الزیفي قلاب زشت، و برج میلاد في طهران، و الأناض و الشلالات و العباب و الفيون في یاسوج و شهر کرد و الطريق السياحي بين مدینتی أسلم و خلخال، و عبادیه پیش فارداش في مدینة بجنورد، و غابة أهر (الشحاب) في شاهرود، و سوق آراك، و قلعة الموت، و شخف دلواری في بوشهر، آلاف المناطق الأخری. فتشوع معالم إيران و استقرار الوضیع الأمنی فيها تشجع السياحيين إلى السفر إليها لزوجة جمال آثارها طبعيتها العظيمة.*

بزره و شیرینی حاش و مناطق کویری اش، و تبریز و بازار مشهورش به این که بزرگ‌ترین بازار سقف (سربوشیده) در جهان است در آن، مکان بزرگی برای فروش فرش‌ها و طلا وجود دارد. و شهر قائن شهر طلای سرخ، زعفران و جنگل «حزاه» در جزیره قشم ساحل صخره‌ای بندر چابهار، و غار «سهولان» در مهاباد و دریاچه زریبار، در مریوان و گنبد سلطانیه در زنجان، و موزه صیران روستایی نزدیک رشت، و برج میلاد در تهران و رودخانه‌ها و آبشارها و جنگل‌ها و چشمه‌ها در یاسوج و شهر کرد و جاذبه گردشگری (توریستی) بین دو شهر أسلم و خلخال و باغ «پیش فارداش» در شهر بجنورد، و جنگل اهر در شاهرود و بازار آراک و قلعه «الموت» موزه دلواری در بوشهر و هزاران منطقه دیگر. نوع آثار ایران و وجود (نیات) امنیت در آن، جهانگردان (گردشگران) را برای سفر به آن برای دیدن زیبایی آثار و طبیعت جذابش تشویق می‌کند.

کلیات

تاریخی	جذاب و معانی ایران العتیة	کتاب غار «سرخ کوه»
جزایر دربر گرفتن	آثار جذاب ایران	لا ینبذ من ناگزیر
احصاء شمارش	ساحل فرش‌ها و موزه نخاد،	سفر آثار
طول بلندترین	ساحل جهانگردی، گردشگری	سفر قابل ملاحظه
دریاچه	ساحل «سرخ شوابلی»	مناطق جذب السياحيين مناطق
برج پست منطقه تبریز کارت	صحرایه کویری	دارای جاذبه جهانگردی
پستال	رنگ جالب	سفر نظر به
نیات صیران	رنگ روستایی	سفر نقت
سجده نیت کردن	سطله تعطیلی	سفر واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد
نیات فرهنگی	سنگر بسته	(سفر یقع)
جذب جلب کرد	قالب لیست	سفر دستی
حصار علی به دست آورد	سنگر گنبد	
جزایر شیرینیجات	سنگر انقلاب گذراندن تعطیلات	

در بحث فی نصّ الدرس عن خواب قصیر لهذا الأسئلة

در متن، جواب کوتاهی برای این سوالات جستجو کن

۱- ما اسمُ الكهف الذي هو من أطول الكهوف المائية في العالم؟
نام غاری که از طولانی ترین غارها در جهان است.

۲- یمّ نستطیع ایران أن نحصل علی ثروت بعد النفط؟
ایران بعد از نفت از چه چیزی می تواند ثروتی به دست آورد؟

۳- أذكرُ عمارةً من العمارات الأثرية في مدينة إصفهان.
بنایی از بناهای تاریخی در شهر اصفهان نام ببر

۴- أيُّ صناعةٍ إيرانيةٍ تجذبُ السائحين من كلِّ العالم؟
کدام صنعت ایرانی گردشگران را از سراسر جهان جذب می کند؟

۵- ما هو لقبُ مدينةِ قاین؟
لقب شهر قاین چیست؟

۶- أين تقعُ قلعةُ الوالی؟
قلعه والی در کجا قرار دارد؟

نوعه درسی

اعراب / تعرب و هتایی / اعراب هو نقش

تعرب تعرب معمولاً به علامت انتهای هر کلمه اعراب گفته می شود

کلمات از نظر تغییرپذیری علامت انتهای آن ها به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- معرب (قابل تغییر) ۲- منی (غیر قابل تغییر)

تعرب معرب به کلماتی که علامت انتهای آن ها (در صورت تغییر نقش آن ها) قابل تغییر است «معرب» گفته می شود.

مانند: ذَهَبَ الطِّفْلُ شاهدتُ الطِّفْلَ نظرتُ إلى الطِّفْلِ

تعرب منی به کلماتی که علامت انتهای آن ها هیچگاه تغییر نمی کند و همیشه به یک صورت باقی می ماند «منی» گفته می شود.

مانند: ذَهَبَ ذَلِكَ شاهدتُ ذَلِكَ نظرتُ إلى ذَلِكَ

تشخیص معرب و منی در کلمات (اسم - فعل - حرف)

الف) معرب و منی در اسم ها: همه اسم ها معرب هستند غیر از سه اسم:

- ۱ ضمیرها (چه پیوسته و چه جدا)
- ۲ اسم های اشاره (چه نزدیک و چه دور: هذا - هذه - هؤلاء - ذلك - تلك - اولئك)
- ۳ کلمات پرسشی (کیف - متى - أين - من - ما و...)

ب) معرب و منی در فعل ها: همه فعل های ماضی و امر و همین طور دو صیغه جمع مؤنث در مضارع منی هستند ولی بقیه فعل های مضارع معرب هستند.

ج) معرب و منی در حرف ها: تمام حرف ها منی هستند (من - علی - إلى - با - لـ و...)

اخْتَصِرْ مَفْصِلَ عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُثْبِتَةِ وَ الْمُنْبِتَةِ

جویدت را بیارهای کلمات معرب و مبنی را مشخص کن

هَذِهِ غَضْبَى، كَمْ، أَوْلَيْكَ، سَاتِحٌ، مَنْ، سَعَابًا، أَهْبِزْ، يُهْبِزُ، يَنْطَلِقُ، أَنْتُمْ، مُخَلَّدٌ

نام و جای حالت اعراب

رفعه کلمه دارای اعراب رفع را مرفوع می نامند که علامتش **ذ** است **ان** و **ون**
 نصب کلمه دارای اعراب نصب را منصوب می نامند که علامتش **ت** است **بن** و **ین**
 جر کلمه دارای اعراب جر را مجرور می نامند که علامتش **ج** است **بن** و **ین**
 محروم کلمه دارای اعراب محروم می نامند که علامتش **ث** (فقط مخصوص فعل مضارع - امر - نهی)
 مذکر در اسم های مثنی و جمع مذکر سالم علامت انتهای کلمه علامت اعراب نیست بلکه حرف ما قبل آخر نوعی علامت
 اعراب محسوب می شود در مثنی (ان - بن) نشانه رفع نشانه نصب و جر است.
 در جمع مذکر سالم (ون - ین) نشانه رفع نشانه نصب و جر است.

اخْتَصِرْ مَفْصِلَ عَيْنِ اِعْرَابِ الْكَلِمَاتِ الْمُرْفُوعَةِ وَ الْمَنْصُوبَةِ وَ الْمَجْرُورَةِ وَ الْمَجْرُومَةِ

جویدت را بیارهای اعراب رنگی مرفوع و منصوب و مجرور و مجزوم را مشخص کن

قَرَأَ الطَّالِبُ الْمُجِدَّ قَصِيدَةً رَاقِعَةً الطَّلَبُ مَرْفُوعٌ قَصِيدَةٌ مَنْصُوبٌ

لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى الْآثَارِ الْتَارِيخِيَّةِ لَا تَكْتُبْ مَجْرُومٌ الْتَارِيخِيَّةِ مَجْرُورٌ

با نقش های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شدید. اکنون با اعراب این نقش ها آشنا شوید. فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع اند و مفعول منصوب است (البته هنگامی که معرب باشند).

﴿ وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ ﴾ الأحزاب: ۲۲

فاعل و مرفوع به واو مفعول و منصوب به فتح فاعل و مرفوع به ضمه

نَعْرَةَ الْعِلْمِ إِخْلَاصَ الْعَمَلِ أَمْرٌ مَوْجِبٌ عَلَى (ع)

مبتدا و مرفوع به ضمه خبر و مرفوع به ضمه

اخْتَصِرْ مَفْصِلَ أَعْرَابِ الْكَلِمَاتِ الْمُرْفُوعَةِ

جویدت را بیارهای نقش و اعراب کلمات رنگی را بنویس

۱- مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ رَاقِعٌ أَمَامَ الْأَضْيَافِ الضَّيَاحِيِّ مُدِيرٌ مَبْتَدَأٌ مَرْفُوعٌ / رَاقِعٌ خَبَرٌ مَرْفُوعٌ

۲- أَلْوَنُ الْبَشَرِي لِعُرْفَةِ النَّوْمِ تُهْدِي الْأَعْيَابَ أَلْوَنٌ مَبْتَدَأٌ مَرْفُوعٌ تُهْدِي خَبَرٌ مَرْفُوعٌ

۳- لَا يَصْدُقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا الْعَاقِلُ فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ قَوْلٌ مَفْعُولٌ وَمَنْصُوبٌ

۴- الْحَلِيبُ الطَّارِحُ مُلَوَّنٌ بِالْكَالْسِيِّمِ الْحَلِيبُ مَبْتَدَأٌ مَرْفُوعٌ مُلَوَّنٌ خَبَرٌ مَرْفُوعٌ

۵- أَعْلَقَ الْعِتَالُ بَابَ النَّصْحِ أَمْسٍ الْعِتَالُ فَاعِلٌ مَرْفُوعٌ بَابٌ مَفْعُولٌ وَمَنْصُوبٌ

رنگه در اعراب اسم های مبنی مثل هذبه در جمله ای مانند هذبه شجره زفان بعد از ذکر نقش آن کلمه است بگویند هذبه مبتدا و مبنی است و وقتی که فعلی (خواه معرب خواه مبنی) دارای نقشی مانند خبر می شود، هیچ تغییری نمی کند و در ذکر اعراب آن فقط نقش آن ها ذکر می شود:

مثلاً هُنَّ ذَهَبٌ هُنَّ مَبْتَدَا و مَبْنِي ذَهَبٌ خَبَر و مَبْنِي

اَضْمَرُ نَفْسِكَ اَذْكُرُ النَحْلُ الْاِعْرَابِي لِلْكَلِمَاتِ السَّلْوِيَّةِ

خودت را بیازمائی: محل اعرابی (نقش) کلمات رنگی را بنویس.

اکنون شما بگویند اعراب کلمات رنگی چیست؟ ذلِكَ (میلک) اَهْرَقْتُ جَدًّا

ذلِكَ مَبْتَدَا و مَبْنِي اَهْرَكْتُ مَضَافَالِيَّة و مَبْنِي اَهْرَكْتُ مَفْعُول و مَبْنِي

اعراب المضافة والمضاف اليه

با صفت و مضاف الیه در پایه نهم آشنا شدید. صفت در اعراب تابع (پیرو) موصوف خودش است و اعراب مضاف الیه جز است (مضاف الیه مجرور است) یعنی دارای علامت **ب** یا **بین** یا **بین** است.

مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می توانند بعد از خودشان صفت یا مضاف الیه داشته باشند. مثال

الْبُيُوتُ الْاَبْيَضُ لَبَنٌ الْهَدَوِي

مبتدا و مرفوع به صته صفت و مرفوع به صته خبر و مرفوع به صته مضاف الیه و مجرور به کسره

فَحَصَّ الطَّبِيْبُ اَلْسَانَ الْوَلَدِ الضَّغِيْرِ

فعل فاعل و مرفوع مفعول و منصوب مضاف الیه و مجرور صفت و مجرور

اَحْتَمَرُ نَفْسِكَ عَيْنِ الصَّفَةِ وَ التَّضَافِ اِلَيْهِ. ثُمَّ اَذْكُرْ اِعْرَابَهُمَا

خودت را بیازمائی. صفت و مضاف الیه را مشخص کن سپس اعراب آن ها را ذکر کن.

۱- رِضَا اللهُ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رسول الله (ص)

الله مضاف الیه و مجرور به کسره الوالدين مضاف الیه و مجرور به **ب**

رضایت خداوند در رضایت پدر و مادر است.

۲- اَلْمُؤْمِنُ قَلِيْلُ الْكَلَامِ كَثِيْرُ الْعَمَلِ. رسول الله (ص)

اَلْمُؤْمِنُ مضاف الیه و مجرور به کسره الْاِنْسَانِ مضاف الیه و مجرور به کسره

مؤمن کم سخن و پرکار است.

۳- سَكَوْتُ الْاِنْسَانِ سَلَامَةُ الْاِنْسَانِ. أمير المؤمنين علي (ع)

السَّكْوَةُ مضاف الیه و مجرور به کسره الْاِنْسَانِ مضاف الیه و مجرور به کسره

سکوت زبان نشانه سلامت انسان است.

۴- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

الضعيف صفت و مرفوع به ضمه / القوي صفت و مرفوع به ضمه
انسان ضعيف دروغ می گوید و انسان قوي راست می گوید.

۵- الطَّائِبُ الْمُؤْمِنُ مُحْتَرَمٌ عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ.

المؤمن صفت و مرفوع به نون / المؤمنون مضاف اليه و مجرور به نون
دانش آموزان بالادب نزد معلم ها، محترم هستند.

۶- الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.

الدائم صفت و مرفوع به نون / الناجح صفت و مرفوع به نون
ملت دانا، ملتی موفق هستند.

جوارات (في الصيدلية)

گفت وگوها (در داروخانه)

الصيدلية داروخانه	الحاج حاج
أعطني الوزفة؛ بمراژ. لفاقه. حبوب منگنة للصداع. حبوب تهدئة، كبسول أميسيلين. قطن طبي. مرهم لاحتاسه الجلد - لا تأس. لكن لا أعطيك أميسيلين. دمانج، باند، قرص های مسکن برای سردرد قرص های آرامخش، كبسول امی سیلین، بنه بهداشتی، باماد برای حسایت پوست - اشکالی ندارد ولی به تو امی سیلین نمی دهم.	عقود ما عندي وصفة وأريد هذه الأدوية المكتوبة على الوزفة. ببخشید نسخه ندارم، و این داروهای نوشته شده در برگه را می خواهم.
لا عندنا، ولكن نيمها بدون وصفة غير مسوح. نه، داریم ولی فروش آنها بدون نسخه غیر مجاز است.	إيذا، أما عندكم؟ چرا یا ندارید؟
لنن تشتري هذه الأدوية؟ این داروها را برای چه کسی می خری؟	شكراً خريلاً، يا حضرة الصيدلي. خیلی متشکرم جناب داروخانه دار
أشفاة من الله. شفا از خداست (خدا شفا دهد)	أشرفها لثلاثي في القافلة. آن ها را برای همسفرانم در کاروان می خرم.

تمرین ها

التعريف الأول أي كلمة من كلمات الدرس، تناسب التوضيحات التالية؟
تعريف اول، کدام کلمه از کلمات زیر برای توضیحات زیر مناسب است؟

۱- آلة للإطلاع على درجة حرارة الجسم والجو.

وسيله ای برای اطلاع از درجه حرارت بدن و هوا: المحرار (دمانج)

۲- یَوْمَ الْإِشْرَاقِ لِلْمُرْتَظِقِينَ وَ الْمُنَالِ وَ الْعَلَابِ

روز استراحت برای کارمندان و کارگران و دانش آموزان (معلمی)

۳- مَنطَقَةُ بَرِّيَّةٍ بِجِوَارِ الْبَحَارِ وَ السُّحُوطِ

منطقه خشکی در کنار دریاها و اقیانوس ها، (ساحل)

۴- إِدَارَةُ لِتَسْلِيمِ الرُّسَائِلِ وَ اسْتِیْلَامِهَا

اداره ارسال و دریافت نامه ها، ادارهٔ البرید (اداره پست)

۵- نَبَاتٌ يُعْطَى ثَمْرًا أَيْضًا اللَّوْنِ

گیاهی که میوه های سفید رنگ می دهد، (الفلفل سیاه)

۶- مَكَانٌ لِيَجْمَعَ الْأَدْوِيَّةُ

محلّی برای قروش داروها، (صيدخانه داروخانه)

مجموعهٔ بزگی از سربازان برای دفاع از وطن

۳- مَكَانٌ يَجْتَمِعُ فِيهِ الْمَاءُ طَوِيلًا

مستجمع

مکانی که در آن آب (به مدت) طولانی جمع می شود.

۴- مَكَانٌ بَيْنَ جَبَلَيْنِ

مضیق

مکانی بین دو کوه

۵- فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ

بعض الحین و الآخر

در بعضی اوقات

التّصريح الثاني ترجم الأفعال التالية

تصريح دوم فعل های زیر را ترجمه کن.

ما جَلَسْنَا نَنشِتُد / لا نَجْلِسُ نَمِي نَشِيند / اجلس بنشین / لا نجلسا نَنشِيند

اجلسوا بنشيد / اجلسوا نَنشِيند / اجلسوا بنشيد / اجلسوا هَمشِيني كَرَدند

جالس هَمشِيني كِيد / لا تجلس نَمِي نَشِينم / كاتوا يجلسون مِي نَشِيند / سوف يجلس خواهد نَشِينت

اجلس خواهم نَشِينت / اجلس هَمشِيني مِي كَنم / اجلس مِي نَشِينم / اجلس بنشین

التصريح الثالث ضع في الفراغ كلمةً شائبةً من الكلمات التالية. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

تصريح سوم: از کلمات زیر، کلمه مناسبی را در جای خالی قرار بده. (دو کلمه اضافی است)

لِقَافَةٌ / قُبَّةٌ / جَلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِيٌّ / الزَّيْفُ / الْخَلَوَاتُ

پتو گنبد / پوستی / جالب / گردشگری / روستا شیرینی جات

۱- كَانَ لِصَدِيقِي مَرَضٌ جَلْدِيٌّ فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى

دوستم بیماری پوستی داشت پس به بیمارستان رفت.

۲- قَرَأْتُ نَصِيدَةً لِنَجْدٍ بِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدِ شَوْقِي

نصیده جالبی از امیر شاعران احمد شوقی خواندم

- ۳- جلّنا نحت لده شاه چراغ (ع) في مدينة شيراز.
ریر گنبد شاه چراغ در شهر شیراز نشینیم.
- ۴- إن كرديستان بين مناطق الجذب السياحي في إيران.
کردستان از مناطق دارای جاذبه گردشگری در ایران است.
- ۵- الفسح في الزمان جميل جداً.
زندگی در روزها بسیار زیبا است.
دو کلمه «الفافة و الحلويات» اضافی است.

الضمير الزايع صنع هذه الأفعال في الجدول، ثم اكتب معناها

ضمیر بزایع این فعل‌ها را در جدول قرار بده، سپس معنی آن‌ها را بنویس.

سرف يتحرك / أتشد / لا تترجع / أصابت / لتسلمين / لا تظهر / ما افترنا لا تتريدون
كان يشهد / ادغموا / تستطيع / لا تأكلوا / اخترقنا / يتبدى / كانت تعوض

معنی فارسی	عربی	ترجمه فارسی	عربی	معنی فارسی
اختراع کردید	اخترقنا	برخورد کرد	أصابت	ماضی
معدرت نحواستند	ما اعتدنا	نزدیک نشدیم	ما افترنا	ماضی منفی
جبران می‌کرد	كانت تعوض	شاهد می‌بود	كان يشهد	معادل ماضی استمراری
شروع می‌کند	يتبدى	دریافت می‌کسی	تسلمين	مضارع
نمی‌خواهید	لا تتريدون	پس نمی‌گیریم	لا تترجع	مضارع منفی
بیردارید	ادغموا	بترا، شعر بگو	أتشد	امر
نخورید	لا تأكلوا	خبر نده	لا تخبر	نهی
خواهد توانست	ستطيع	حرکت خواهد کرد	سوف يتحرك	مستقبل

الضمير الخامس صنع في الفراغ كلمة شابة.

ضمیر پنجم در جای خالی کلمه مناسبی قرار بده.

- ۱- رأيتنا من أمريكا الوسطى في الصحف.
دو گردشگر از امریکای مرکزی را در موزه دیدیم.
 سائحين سائحان
- ۲- ساعدت المرأة التي تصادمت بالسيارة.
دو پرستار به زنی که با خودرو تصادف کرده بود کمک کردند.
 المؤمنون المؤمنات
- ۳- حزنت في قلوبهم لا في وجوههم.
غم مؤمنان در قلب‌هایشان است نه در چهره‌هایشان.
 الشريطين الشريطين
- ۴- وقفنا في بداية الساحة الأولى.
دو پلیس در ابتدای میدان اول ایستادند.
 سائحين سائحان

التعلمون التعلّمين

الطيارون الطيارين

۵- حاضرین فی بهرجان المدرسه

معلم‌ها در جشنواره مدرسه حاضر هستند.

۶- نزل من طائرانهم الخريبه

خاندان از هواپیماهای جنگی شان پایین آمدند.

التعمير من الضاد من وضع كل اسم في مكانه الشائب

تعمیر من ضمیمه هر اسمی را در جای مناسبش بنویس.

بطاقتان / مفرحة / شواطئ / فضان / خالقات / شواطئ / صيدلية / نهائم
تطنين / تكريمين / عمودين / بانعات

عربی مؤنث	عربی مذکر	عربی مؤنث	عربی مذکر	جمع مؤنث سالم	جمع مذکر سالم
مفرحة	فضان	بطاقتان	مواطنون	خالقات	شواطئ
صيدلية	عمودين	تطنين	تكريمين	بانعات	نهائم

التعمير من المسامع عین الجواب الصحيح ثم ترجمه

تعمیر هشتاد جواب صحیح را مشخص کن سپس آن را ترجمه کن.

- ۱- جمع مذکر مخاطب از تتعارف تتعارفون تتعارفون (با هم آشنا می شوید)
- ۲- جمع مؤنث مخاطب از تشهد تشهدین تشهدن (شاهد هستید)
- ۳- مکرر مذکر غایب از ابتعد ابتعدت (دور شد)
- ۴- جمع مذکر غایب از جذب جذبوا جذبوا (جذب کردند)
- ۵- مثنی مذکر از أحرس أحرسا أحرسا (محافظت کنید)
- ۶- متکلم واحد از درنت درنت درنتا (گرس دانم)

التعمير من الضاد عین الکلیمه المعرّبة

تعمیر هشتاد کلمه معرب را مشخص کن.

- ۱- تحوّل تحوّلن تحوّلن تحوّلن (تحوّل فعل مضارع و معرب / تحوّلن و تحوّلن فعل مضارع جمع مؤنث و مثنی هستند / تحوّلن فعل امر و مثنی است)
- ۲- تحرّب تحرّبنا تحرّبنا تحرّبنا (تحرّب فعل مضارع و معرب بقیه همگی ماضی و مثنی هستند / تحرّب فعل امر و مثنی است)
- ۳- تحریف تحریفنا تحریفنا تحریفنا (تحریف فعل مضارع و معرب بقیه همگی ضمیر و مثنی هستند / تحریف فعل امر و مثنی است)
- ۴- تحریف تحریفنا تحریفنا تحریفنا (تحریف فعل مضارع و معرب بقیه همگی اسم اشاره و مثنی هستند / تحریف فعل امر و مثنی است)

- ۵- قَلْ نشئ این مَثَى
 نشئ اسم و معرب / اهل حرف و مبنی / این و مَثَى از کلمات پرسشی و مبنی هستند.
- ۶- عَلَى جَزَح مِّن نَمَّ
 جَزَح اسم و معرب / بقیه همگی حرف و مبنی

الفکر من القاسم ترجم عبارات التالية ثم أغرب الكلمات الملوثة؟

نمبرین به عبارات های زیر را ترجمه کن سپس نقش و اعراب کلمات رنگی را بنویس.

۱- جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس **المائدة: ۹۷**
 خداوند کعبه را - بیت الحرام - را وسیله‌ای برای استواری مردم قرار داد **الكعبة** مفعول و منصوب

۲- هل جزاء الإحسان إلا الإحسان **الرسم: ۶۰**

ایا پاداش نیکی جز نیکی است **الاحسن** مضاف الیه و مجرور

۳- خير الناس من نفع الناس **رسول الله (ص)**

بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند **الناس** مضاف الیه و مجرور **الناس** مفعول و منصوب

۴- أذهب يومان يوم لك و يوم عليك **اسر المؤمنین علی (ع)**

روزگار دو روز است یک روز به سود تو و روزی به ضرر تو **ایومل** خبر و مرفوع

۵- جمال العلم نضرة و قمرته القتل **به. اسر المؤمنین علی (ع)**

زیبایی دانش منتشر کردن آن و میوه آن عمل کردن به آن است. **نضرة** خبر و مرفوع **نضرة** مبتدا و مرفوع

۶- إشتخرج الفلاحون ماء من بئر القرية.

کشاورزان، آبی را از چاه روستا خارج کردند **الفلاحون** فاعل و مرفوع **ماء** مفعول و منصوب

۷- العقل السليم في الجسم السليم.

عقل سالم در بدن سالم است **السليم** صفت و مرفوع

﴿ هَذَا أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ﴾ هود: ۶۱
او شما را از زمین آفرید و از شما آباد کردن آن را خواست

صناعة النفط

صنعت نفت

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ، وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوَاقَاتِ يَسْتَلْزِمُ زَمَنًا طَوِيلًا، بَأَنَّ الْخَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

چگونه نفت را به دست می آوریم؟

انسان نفت را از درون زمین (دل زمین) استخراج می کند، و این استخراج در برخی اوقات زمانی طولانی را می گیرد، زیرا حفاری در طبقات (لایه های) صخره ها می باشد.

في إيران تَرَوَاتُ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ، بِلَا دُونَ غَنِيَّةٍ بِالنَّفْطِ وَالْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبِلَادِ الْخَارِجِيَّةِ.

در ایران تروتهای فراوانی در درون زمین است؛ کشور ما سرشار از نفت و گاز است (در حالی که) قسمتی از آن ها را به کشورهای صنعتی صادر می کند.

عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَحْنَمُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ.

انسان از زمان قدیم نفت را شناخت و آن را از سطح زمین جمع می کرد و از آن به عنوان سوخت و برای درمان بیماری های پوستی استفاده می کرد.

يَحْفِرُ الْعُمَالُ بِنَرًا وَ يَصْعَقُونَ أُنْبُوبًا فِيهَا، يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَسِيئَةِ الْأُنْبُوبِ، يُخْتَمُ وَ يُغْلَقُ الْأُنْبُوبُ بِمِفْتَاحٍ.

کارگران چاهی را حفر می کنند و لوله ای در آن می گذارند. نفت از طریق لوله ها بالا می آید. لوله ها به وسیله کلیدهایی (آچارهایی) باز و بسته می شوند.

نَقْلُ النَّفْطِ عَنِ الْأَنْبُوبِ أَقْلُ خَطَرًا وَ نَقْفَةً مِنْ تَقْلِهِ بِإِنْقِلَابِ النَّفْطِ، وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَسِيئَةِ الْأَنْبُوبِ عَنِ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً.

انتقال نفت از طریق لوله ها، کم خطرتر و کم هزینه تر از انتقال آن با نفت کش ها است، برای آسان نمودن انتقال نفت با لوله ها از سررازی ها دستگاه هایی برای کاهش فشار به کار برده می شوند تا لوله ها سالم بمانند.

لِيَرَانَ تِجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَنِ الْأَنْبُوبِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمَصْدِرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدَّ خَطُوطِ الْأَنْبُوبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتِاجِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاقِ.

ایران تجربه های بسیاری در صنعت انتقال نفت از طریق لوله ها دارد و آن از بزرگ ترین کشورهای صادرکننده نفت و از موفق ترین آن ها در کشیدن خطوط لوله ها و نگهداری آن ها از مکان های تولید تا مکان های مصرف می باشد.

عَلَى انْتِدَادِ الْأَنْبُوبِ تَوْجَدُ أَعْيِدَةٌ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَاتِ الْإِنْدَارِ، وَ لَوْ حَاثَ تَحْدِيرِيَّةٌ بِاللُّوْنِ الْأَصْفَرِ تُحَدَّرُ الشُّرَاطِينِ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِسَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ، وَ تَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَةُ هَذِهِ الْأَنْبُوبِ وَ الْإِتِّصَالِ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطْرِ.

- ۴- يُنْقَلُ النُّقْطُ مِنَ الْهَيْئِ إِلَى مِثْلِهِ التَّصْدِيرُ
نفت از چاه به بندر صادرات منتقل می‌شود.
- ۵- نَقَلَ النُّقْطَ عَنِ الْأَنْبِيبِ أَكْثَرَ خَطَرًا
انتقال نفت از طریق لوله‌ها، خطرناک‌تر است.

فعل مجهول

در موارد زیر به مثال‌های فعل معلوم و مجهول در فارسی توجه کنید:
 معلوم نوشت امی نویسد از دید امی ببیند
 مجهول نوشته شد نوشته می‌شود ازده شد دیده شد دیده می‌شود
 در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از فعل کمکی «شده» استفاده می‌شود فعل معلوم فعلی است که فاعلش معلوم است ولی فعل مجهول فاعلش ناشناس می‌باشد.
 علی غذا را خورد (می‌دانیم که علی فاعل است) ولی در جمله غذا خورده شد (فاعل معلوم نیست پس جمله مجهول است) در عربی برای مجهول کردن فعل، حرکاتش را تغییر می‌دهیم.
 در ماضی حرف دوم ریشه (عین‌الفعل) را کسره (ـِ) می‌دهیم و تمام حروف دارای حرکت قبل از آن را ضمه (ـُ) می‌دهیم.

کَتَبَ ← كَتَبْتُ
 اِسْتَعْمَدَ ← اِسْتَعْمَدْتُ
 اِسْتَعْمَدَ ← اِسْتَعْمَدْتُ

در مضارع حرف دوم ریشه (عین‌الفعل) را فتنحه (ـَ) می‌دهیم و فقط حرف اول را ضمه (ـُ) می‌دهیم.

يَكْتُبُ ← يَكْتُبُ
 يَسْتَعْمِدُ ← يَسْتَعْمِدُ
 يَسْتَعْمِدُ ← يَسْتَعْمِدُ

به جدول مربوط به مقایسه فعل معلوم و مجهول در صفحه ۸۱ کتاب درسی توجه کنید سپس تغییرات حرکتی و معنایی آن‌ها را بررسی کنید.

اَحْتَمِرْ نَسَكًا تَرْجِمَ الْآيَاتِ الشَّرِيفَةَ، ثُمَّ عَيَّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَادْكُرْ صِيغَتَهُ.

حودت را بیار معنی آیات شریف را ترجمه کن سپس فعل مجهول را مشخص کن و صیغه آن را بنویس.

- ۱- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (البقره: ۲۴)
هرگاه قرآن خوانده شود به آن گوش فرا دهید و ساکت باشید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید. فعل مجهول: قُرِئَ (مفرد مذکر غایب) و تَرْحَمُونَ (جمع مذکر مخاطب)
- ۲- ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ (النحل: ۲۰)
و کسانی که غیر خدا را می‌خوانند (عبادت می‌کنند) چیزی را نمی‌آفرینند در حالی که آنان آفریده می‌شوند. فعل مجهول: يُخْلَقُونَ (جمع مذکر غایب)
- ۳- ﴿قُلْ لَكُمْ دِينُ اللَّهِ لَا يُغْنِي عَنْكُمْ كُفْرًا شَيْئًا﴾ (البقره: ۱۷۰)
انان وارد بهشت می‌شوند و هیچ چیزی به آنان ستم نمی‌شود. فعل مجهول: يُغْنِي (جمع مذکر غایب)

1- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

2- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

3- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

4- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

5- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

6- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

7- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

8- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

9- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

10- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

11- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

12- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

13- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

14- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

15- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

16- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

17- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

18- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

19- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

20- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

21- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

22- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

23- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

24- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

25- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

26- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

27- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

28- الأخطار التي تلحق بالبنية التحتية للمدينة

الفعل

- ۲- يُحَصِّدُ اللَّحْمَ فِي فَصْلِ الشَّيْبِ غَالِبًا. معمولاً گوشت در فصل تابستان، درو می‌شود.
فاعل و مرفوع
- ۳- نَجَّحَ الطَّلَبُ فِي امْتِحَانِ الكِيمْيَا. دانش‌آموزان در امتحان شیمی قبول شدند.
فاعل و مرفوع
- ۵- رَسَمَ التَّلْمِيزُ صُورَةَ فَصْلِ الرَّبِيعِ. دانش‌آموز تصویر فصل بهار را کشید.
فاعل و مرفوع
- ۶- قُتِلَ الْأَعْدَاءُ فِي سَاعَةِ الحَرْبِ. دشمنان در میدان جنگ کشته شدند.
فاعل و مرفوع

انواع فاعل و نائب فاعل

فاعل و نائب فاعل در جمله به سه صورت می‌آیند: (اسم ظاهر - ضمیر بارز - ضمیر مستتر)

۱- اسم ظاهر: هرگاه بعد از فعل اسمی مرفوع بیاید آن اسم، فاعل یا نائب فاعل است که نوع آن اسم ظاهر نامیده می‌شود مانند: **الله و القرآن**

﴿ قَدْ أَنْزَلَ اللهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴾ شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن
فعل معلوم / فاعل (اسم ظاهر) / فعل مجهول / نائب فاعل (اسم ظاهر)

۲- ضمیر بارز: هرگاه همراه فعل معلوم یا مجهول شناسه (نوعی ضمیر متصل) وجود داشته باشد آن ضمیر، فاعل یا نائب فاعل است که نوع آن ضمیر بارز نامیده می‌شود.

﴿ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللهِ ﴾ ﴿ يَفْتَلِسُونَ فِي سَبِيلِ اللهِ فَيَقْتَلُونَ وَيُقْتَلُونَ ﴾
فاعل ضمیر بارز / فاعل ضمیر بارز / فاعل ضمیر بارز / نائب فاعل ضمیر بارز

۳- ضمیر مستتر: هرگاه فاعل یا نائب فاعل به صورت اسم یا شناسه نباشند یعنی وجود نداشته باشند، می‌گوییم فاعل یا نائب فاعل، ضمیر مستتر (پنهان) می‌باشد. مانند:

﴿ وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللهِ ﴾ - الكلام كالتواء. قَلِيلَةٌ بِنَفْعٍ وَكَثِيرَةٌ قَاتِلٌ
فعل مجهول / نائب فاعل ضمیر مستتر «هو» / فعل معلوم / فاعل ضمیر مستتر «هو»

تذکر: در عربی فاعل و نائب فاعل بعد از فعل می‌آید نه قبل از آن.

برای یادگیری ضمیر بارز و مستتر به جدول صفحه (۸۵) کتاب درسی مراجعه کنید.

نکته: در فعل‌های ماضی و مضارع در صیغه‌های مفرد مذکر و مفرد مؤنث غایب فاعل گاهی اسم ظاهر است و گاهی اگر اسم نداشتیم فاعل ضمیر مستتر است مانند:

يَذْهَبُ عَلِيٌّ إِلَى المَدْرَسَةِ يَذْهَبُ إِلَى المَدْرَسَةِ (فاعل ضمیر مستتر هو)

ولی در فعل‌های امر و مضارع مفرد مذکر مخاطب (مانند: اذْهَبْ - تَذْهَبْ) و همین‌طور مضارع متکلم و حده و مع الغیر (مانند: اذْهَبْ - تَذْهَبْ) فاعل، همیشه ضمیر مستتر است و هیچ‌گاه فاعلش نمی‌تواند اسم ظاهر یا ضمیر بارز باشد. مانند:

اَذْهَبْ إِلَى صَفِّكَ <small>امر، فاعلش ضمیر مستتر انت</small> [به کلاس برو]	اَتَذْهَبْ وَحَدِّكَ <small>مضارع، فاعلش ضمیر مستتر انت</small> [آیا به تنهایی می‌روی]	اَذْهَبْ مَعَ زَمَلَانِي <small>مضارع، فاعلش ضمیر مستتر انت</small> [همراه همکلاسی‌هایم می‌روم]	تَذْهَبْ بِسُرْعَةٍ <small>مضارع، فاعلش ضمیر مستتر هو</small> [به سرعت می‌رو]
---	--	---	---

۳- اِنَّ مِنْ عِبَادِنَا الْمُتَخَلِّصِينَ ﴿۲۲﴾ بر صفت ۲۲

به راستی او از بندگمان مخلص ماست.

عبد: مضاف و موصوف / انا: مضاف الیه / المتخلصین: صفت

۴- السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

سلام بر ما و بر بندگمان نیکوکار خداوند

عبد: مضاف و موصوف / الله: مضاف الیه / الصالحین: صفت

۵- سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَىٰ وَ بِحَمْدِهِ.

پاک و منزّه است پروردگار والا مقام من و به ستایش او می‌بردارم

رب: مضاف و موصوف / انا: مضاف الیه / الاعلی: صفت

جرارات (مع مسؤول استقبال الفندق)

گفت و گوها (با مسؤول پذیرش هتل)

سؤال / سؤال	جواب / جواب
ما هُوَ زَمَنُ حُرْفِيكَ؟ شماره اتاق چند است؟	زَجَاءَ أُعْطِنِي بِمِفْتَاحِ حُرْفِي. لطفاً کلید اتاقم را به من بده.
تَقْضَلُ بفرما.	بِثَنانٍ وَ عِشْرُونَ. دویست و بیست ۲۲۰.
أَعْتَبِرُ مِنْكَ، أَعْطَيْتَكَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِينَ از تو عذر می‌خواهم. سیصد و سی را به تو دادم.	عَفْوًا لَبَسَ هَذَا مِفْتَاحَ حُرْفِي. بیخشنید این کلید اتاق من نیست.
مِنَ السَّادَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ، ثُمَّ تَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي. از شش صبح تا دو بعد از ظهر، سپس همکارم بعد از من می‌آید.	لَا تَأْتِي، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةٌ ذَوَايِكَ؟ اشکالی ندارد، دوستم. ساعت کار تو چند است؟
الْفُطُورُ مِنَ السَّابِقَةِ وَ الصَّبِغُ حَتَّى السَّابِقَةِ الْبَارِحَةَ، الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبِيعَ، الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِقَةِ حَتَّى السَّابِقَةِ الْبَارِحَةَ. صبحانه از هفت و نیم تا یک ربع به نه، ناهار از دوازده تا دو و ربع، شام از هفت تا یک ربع به نه	سَبِي مَوَاعِدَ الْفُطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟ وقتهای صبحانه و نهار و شام چه زمانی است.
شَايٍ وَ حَمْرٍ وَ حَبَّةَ وَ زُبْدَةَ وَ حَلِيبٍ وَ مَرْبِيٍّ الْيَمِينِي. چای و نان و پنیر و کره و شیر و مربای زردآلو	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟ غذای صبحانه چیست؟
زُرُّ مَعَ دَجَاجٍ برنج با مرغ	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاوِ؟ غذای نهار چیست؟
زُرُّ مَعَ مَرْقٍ بِادْنِجَانٍ برنج با خورشید بادمجان	وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟ و غذای شام چیست؟
لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ. تشکری برای وظیفه نیست (وظیفه‌ام است)	أَشْكُرُكَ. از تو متشکرم

امروزها

التصريح الأول أي كلمة من كلمات المعجم، تناسب التوضيحات التالية؟

نعم من اول، کدام کلمه از کلمات واژه نامه با توضیحات زیر تناسب دارد؟

۱- مكانٌ على ساحل البحر شاهد الشفق إلى جنبها. (المساء) (بدر)

مکانی در ساحل دریا که کشتی‌ها در کنارش دیده می‌شوند.

۲- حفرةٌ يُسخرُجُ الماءُ أو النفطُ منها. (البئر) (جاء)

حفرة‌ای که از آن آب یا نفت استخراج می‌شود.

۳- مادةٌ كالبنزين و الغاز. (الوقود) (سوقد)

ماده‌ای مانند بنزین و نفت و گاز.

۴- الإستهلاك و الإستعمال. (الإستهلاك) (مصرف)

به کار بردن و استفاده کردن.

۵- الحفظ على الأشياء. (الحفاظ) (نگهداری)

نگهداری از اشیاء.

التصريح الثاني ترجم هذه الأفعال

نص من نوع این فعل‌ها را ترجمه کن.

يخرج	يخرج	يخرج	يخرج
باز شد	باز کرد	باز می‌شود	باز می‌کند
يخرج	يخرج	يخرج	يخرج
بیرون آورده می‌شود	بیرون می‌آورد	بیرون آورده می‌شوند	بیرون می‌بندد
يستخدم	يستخدم	يستخدم	يستخدم
به کار برده شد	به کار برد	صادر می‌شود	صادر می‌کند

التصريح الثالث ضع في الفراغ كلمةً مناسبةً من الكلمات التالية: «ثلاث كلمات زائدة»

نص من سوم از کلمات زیر، کلمه مناسبی را در جای خالی قرار بده (سه کلمه اضافی است)

إستهلاك / سماء / سائل / تنقل / تستفرق / سفن / المحططة

مصرف کود مایع منتقل می‌کند وقت می‌گیرد کشتی‌ها ایستگاه

۱- وَقَفَتِ العائِلَةُ في المحطة حَتَّى يَذَهَبَ السَّافِرُونَ إِلَى دَوْرَاتِ المِياهِ.

توبوس در ایستگاه توقف کرد تا مسافران به سرویس بهداشتی بروند.

۲- كم ساعةً سَتَفْرُقُ السَّفَرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى المَدِينَةِ المُنَوَّرَةِ؟

سفر از مکه به مدینه منوره چند ساعت وقت می‌گیرد؟

۳- السَّيَّارَةُ تَمَلُّ أَحْشَاباً مِنَ العَايَةِ إِلَى مَصْنَعِ الوَرْقِ.

ماشین، چوب‌ها را از جنگل به کارخانه کاغذسازی منتقل می‌کند.

۴- صُنِعَ جِهَارٌ لِتَقْلِيلِ إِستهلاكِ الكَهْرَبَاءِ فِي الحَاسِبِ.

دستگاهی برای کاهش مصرف برق در رایانه ساخته شد.

۵- النقطه ... أسوة نصنع أشياء كثيرة منه

نفت مایع سیاهی است که از آن چیزهای بسیاری ساخته می شود.
 دو کلمه اسماء و شقن، اضافی است.

الضمیرین الرابع ضغ هذه الأفعال في مكانها المناسب، ثم ترجمها

نمیرین چهارم این فعل ها را در جای مناسب قرار بده سپس آن ها را ترجمه کن

سوف يستغرق / الحرج / لا يحصلون / غواص / تحولين / لا تفلان / ما لبثنا / لا تتخرج
 كانوا يتقلان / حركت / سيتعلق / لا تتعجبوا / صيرت / ما لعل / يتصادم / كانوا تصدقان

عربی	عواص	مضی
ترجمه فارسی	جبران کرد	ماضی منفی
عربی	ما لبثنا	معادل ماضی استمراری
ترجمه فارسی	اقامت نکردند	مضارع
عربی	كانا يتقلان	مضارع منفی
ترجمه فارسی	منتقل می شدند	امر
عربی	تحولين	نهی
ترجمه فارسی	تبدیل می کنی	مستقبل
عربی	لا يحصلون	
ترجمه فارسی	به دست نمی آورند	
عربی	أخرج	
ترجمه فارسی	خارج کن	
عربی	لا تفلق	
ترجمه فارسی	نبند	
عربی	سوف يستغرق	
ترجمه فارسی	وقت خواهد گرفت	

الضمیرین الخامس ضغ في الفراغ فعلاً مناسباً

نمیرین پنجم در جای خالی فعل مناسبی قرار بده.

۱- اللوحات التحذيرية المواطنين من خطر الأرض. يُحذِرُ تُحذِرُ

تابلوهای هشدار آمیز، شهروندان را از خطر کردن زمین هشدار می دهند

۲- صدیقی صورةً خلاصةً على جدار المدرسة. يرُسمُ يرُسمُ

دوستم تصویر زیبایی را بر دیوار مدرسه رسم می کند.

۳- صوت قوي من بعيد، فخاف الجميع. سَمِعُ سَمِعَ

صدایی قوی از دور شنیده شد پس همه ترسیدند.

۴- النُّطُ غَيْرُ النَّاقِلَاتِ إِلَى النَّصَالِي

نفت توسط نفت کشتی ها به پالایشگاه ها منتقل می شود.

۵- الطَّيَّاحُ طَعَامًا طَيِّبًا فِي السَّلْطَمِ

اشهر غذای خوبی را در دستوران می برد.

۶- طُورَاتٌ لَدَيْهَا فِي مَدِينَةِ يَزِدُ

شهرینی جات لذیذی در شهر یزد ساخته می شود.

تَنْقُلُ تَنْقَلُ

يَطْبُخُ يَطْبَخُ

يَضَعُ يَضَعُ

دیگر جملاتی که انجام دهنده فعل چه قبل از فعل و چه بعد از فعل آمده باشد به فعل معلوم نیاز دارند مانند جملات ۱.

تمرین هشتم: اَكْتُبْ مَفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِينًا بِمَعْنَى الدَّرْسِ.

تمرین هشتم: مفرد اسم های زیر را با کمک واژه نامه درس بنویس.

أَسْمَاءُ بَيْتِ (چاه)	سَفِينَةٌ (کشتی)	أَدْوِيَةٌ (دواء، دارو)	دَوْلَةٌ (دولت)
صَخْرَةٌ (صخره)	مَادَةٌ (ماده)	مُؤَاعِدَةٌ (مؤعد، وقت)	أَنْبُوبٌ (لوله)
مَصْفَى (پالایشگاه)	مِنَاءٌ (بندر)	مَعْدَنٌ (معدن، بلد سرزمین)	

تمرین نهم: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُشَابِهُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي التَّعْنَى فَجِ بَيَانِ السَّبَبِ؟

تمرین نهم: کلمه ای را که مناسب با کلمات دیگر در معنی نیست با بیان علت مشخص کن.

۱- وَقُودٌ غَازٌ نَبْطٌ حَرْبٌ

حرب جنگ - کلمات دیگر، درباره سوخت و نفت هستند (سوخت - گاز - نفت)

۲- نَاقِلَةٌ نَائِمَةٌ طَائِرَةٌ حَائِلَةٌ

نایمه خنم - کلمات دیگر، درباره وسایل حمل و نقل هستند (واگن - هواپیما - اتوبوس)

۳- تَمَادٌ مَحْطَةٌ سَاحَةٌ مَطَارٌ

ساحه کود - کلمات دیگر، درباره مکان ها هستند (ایستگاه - میدان - فرودگاه)

۴- رُبْدَةٌ جُنَّةٌ تَقَاعُدٌ خَلِيبٌ

رُبْدَةٌ بارنشستی - کلمات دیگر درباره لبنیات هستند (کره - پنیر - شیر)

۵- دَجَاجَةٌ حَمَامَةٌ بَوْمَةٌ نَفَقَةٌ

نفاقه هزینه - کلمات دیگر درباره پرندگان هستند (مرغ - کبوتر - جغد)

۶- أَخْرَجَ أَحْسَنَ أَرْزَقَ أَضْرَرَ

احسن بهتر - کلمات دیگر درباره رنگ ها هستند (سرخ - آبی - زرد)

تمرین دهم: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

تمرین دهم: جواب صحیح را مشخص کن.

۱- الْمَاضِي مِنَ «سَفَرْتُ» (ماضی آن بر وزن استغفل)

۲- الْمَضَارِعُ مِنَ «صَدَرَ» (مضارع آن بر وزن يُفْعَلُ)

اسْتَفْرَقَ غَرِقَ اَنْغَرَقَ

يَصْدِرُ يَصَادِرُ

الفصل

۲- المصدر من «أطلق» (مصدر ان بر وزن افعال)

۶- الأمر من «تطلقون» (حذف ن از ابتدا و حذف ن از انتها)

۵- النهي من «لا تطلقوا» (نهی = لا + مضارع که آخرش تغییر کرده، حذف ن)

۶- الفعل المجهول (مضارع مجهول = لا)

الفهميون القادسيغ أكثب ثغنى الأفعال الثابته

تمرین تهیه معنی فعل های زیر را بنویس

۱- برعت می فرستد

أبعث فرستاده می شوم

أبعثون فرستاده می شوید

۲- قطع می برد

أقطع بریده شد

أقطع بریده می شود

۳- جلس نشاند

أجلس نشاند شد

أجلس نشاند می شود

۴- قتل گشت

أقتل گشته شد

أقتل گشته می شود

۵- علق یاد داد

أعلق یاد داد شدند

أعلق یاد داده می شود

۶- ألق نجات داد

ألقون نجات داده می شوند

ألقوا نجات داده شدند

الفهميون العاشرون إتخبط الحواب الضحح

تمرین تهیه جواب صحیح را انتخاب کن

۱- جمع مؤنث مخاطب: حرّكنم

حرّكنتم

حرّكني

حرّكننا

۲- جمع مذکر مخاطب: أحصلوا

أحصلوا

أحصلن

أحصلنا

۳- مفرد مذکر مخاطب: تحترم

تحترم

تحترمين

تحترم

۴- مشر مؤنث غایب: تنقلان

تنقلان

تنقلون

تنقلان

۵- مفرد مؤنث غایب: تحزنت

تحزنت

تحزني

تحزكت

۶- متكلم واحد: أخرج

أخرج

أبلك

أبتعد

- عَنْ الصَّحِيحِ وَالضَّطُّ حَسْبُ الْقُرْسِ صحیح و خطا را بر اساس متن درس مشخص کن
۱. الدَّلَافِينُ مِنَ الطَّيْرَاتِ اللَّيْلِيَّةِ الَّتِي تُرْبِعُ صَفَارَهَا
دلفین از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد
۲. يُوَدِّي سِنَّكَ الْقُرْشِ دُورًا مُهَيَّبًا فِي الْحَرْبِ وَالسَّلْمِ
کوسه نفس مهمی در جنگ و صلح ایفا می کند
۳. سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَتَوَقَّعُ سَمْعَ الدَّلَافِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ
شعوبای انسان ده مرتبه از شعوبای دلفین برتری است
۴. سَمِعْتُ الْقُرْشَ صَدِيقَ الْإِنْسَانِ فِي الْبَحَارِ
کوسه دوست انسان در دریاها است
۵. سَمِعْتُ الْقُرْشَ عَدُوَّ الدَّلَافِينِ
کوسه دشمن دلفین ها است
۶. لِلدَّلَافِينِ أُنُوفٌ حَادَّةٌ
دلفین ها بینی های تیزی دارند

جاء و مجرور - نون و قافیه

حروف جر عبارتند از: مِن، فِي، إِلَى، عَلَى، بِ، لِ، عَنْ، كَ و ...

این حروف قبل از اسم قرار می گیرند و اعراب آن اسم را مجرور (- بی ین) می کنند برخی از حروف جر به صورت های مختلف ترجمه می شوند که به طور خلاصه به آن ها اشاره می کنیم ولی برای درک بهتر می توانید به مثال های کتاب درسی در صفحات ۱۰۰ تا ۱۰۲ مراجعه کنید

معانی جر

مِنَ - از - فَرَجَسِ - می در - لِي - به - سَوِي - تا

عَلَى - بر - رَوِي - ضد (زبان) - بِ - با (به وسیله) - دَر -

لِ - برای - مَالٍ (از آن)، دَاشْتِن (در شروع جمله) - مِنْ - از - دَرِبَارَةَ - کمانند

بِنَكْتِه - جار و مجرور (حرف جر - اسم) گاهی می تواند خبر شود

قبلاً گفتیم که خبر ممکن است سه چیز باشد: گاهی اسم، گاهی فعل و گاهی جار و مجرور

عالمی اولویت در خبر با اسم و فعل است یعنی با وجود اسم یا فعل نمی توانیم جار و مجرور را خبر محسوب کنیم پس در صورتی که جار و مجرور در شروع جمله بیاید و در ادامه اش اسمی بدون «ال» قرار گیرد در این صورت آن جار و مجرور محسوب می شود که به ابتدای جمله آمده و به آن خبر مقدم (جلو آمده) گفته می شود و آن اسم نکره در حقیقت مبتدا است ولی به آخر جمله رفته است مانند: لَهُ ذَاكِرَةٌ لِلدَّلَافِينِ أُنُوفٌ فِي التَّأخِيرِ أَفَاتٌ

الفه

تأثیر دهنده: اعراب الكلمات المنزلة

خودت را بیارم ای کلمات رنگی را ترکیب کن (نقش و اعراب)

- ۱- العلم غیر من المال العلم تحرشک و أنت تحرش المال (تحرش: ماضی و مضارع فعلی، مفعول و منصوب)
- ۲- شرف الشرف بالعلم و الأدب لا بالأصل و النسب (شرف: ماضی و مضارع فعلی، مفعول و منصوب)

ضع فی الفراغ کلمة مناسبة در جای خالی کلمه مناسبی قرار بده

- ۱- الكريمة من اللغات الرسمية في منظمة الأمم المتحدة
عربی از زبان های رسمی در سازمان ملل متحد است
 شططة شططة
- ۲- أحب عباد الله إلى الله أنفهم لعباده
محبوب ترین بندگان خداوند نزد او سودمندترین آنان برای بندگانش است
 الله الله
- ۳- إني رأيت ذهراً من هجر ك القيامة
به راستی من از فراق تو روزگار را مانند قیامت دیدم
 هجر هجر
- ۴- العالم بلا عمل كالشجر بلا ثمر
عالم بدون عمل مانند درخت بدون میوه است
 الشجر الشجر
- ۵- سعيد قسم المزرعة إلى نصفين
سعيد مزرعه را به دو نصف تقسیم کرد
 بصان بصين
- ۶- رُبُّ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
یک چهارم از ساکنان جهان از مسلمانان هستند
 الشُّبْرُون المُسْلِمِينَ

تذکره در تمامی این جملات در جای خالی به اسم مجرور نیاز داریم زیرا قبل از همه آن ها حرف جر قرار گرفته است

نوع و قایم فعلی + بی = فعلی + بی = فعلی + بی

هرگاه بجوایم به انتهای هر فعلی ضمیر «ی» را متصل کنیم باید بین آن دو یک حرف «ه» قرار دهیم که به آن «نون و قایم» گفته می شود. مانند: *بصرنی* مرا می شناسد *بصرنی* مرا بالا ببر *بصرنی* مرا تزد

تذکره «نی» در آخر فعل به معنای «مرا» - به من (و گاهی از من یا بر من) ترجمه می شود. مانند تمرین ششم کتاب درسی

اخصیبر نفستك. تزجم هذه الجمل

خودت را بیارم ای این جملات را ترجمه کن.

- ۱- رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ ابراهيم ۲۰
بروردگارا مرا بر پا دارنده نماز قرار ده.

- ۱- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا عَمِلْتَنِي وَ عَمَلْتَنِي مَا تَقَدَّرَ لِي. رسول الله (ص)
- خدایا! یا آن چه به من اموختی به من سواد برسان و آن چه را که به من سواد می رساند به من بیاموز
- ۲- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِتَدَارُكِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رسول الله (ص)
- قطعا خداوند مرا به مدارا کردن با مردم امر کرده است همانگونه که مرا به برپا کردن (انجام) واجبات امر کرده است
- ۳- اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي شُكْرًا وَ اجْفِرْ لِي صَبْرًا وَ فِي الْغُيُوبِ النَّاسِ كَثِيرًا. رسول الله (ص)
- خدایا مرا شکرگزار قرار ده و مرا صبور قرار ده و مرا در چشم خویش کوچک و در چشمان مردم، بزرگ قرار ده
- تصویر: مرا نصیحت کنید
 هر حدیثی، او به من هشدار داد
 آنست که غفرتی، تو مرا محافظت می کنی
- فَمَ يَحْتَرِبُونِي أَنِّي بِنِيَابِهِ مَنَ احْتِرَامِي كَذَابًا
 هُرِّئْتُ الْغَدَائِي أَنِّي هَا مَرَا بِحَاتِ دَادِدَا
 أَعْطَانِي لَمَّا بِي مَنَ نَائِي بَدَا

جرارات افغ مشرف خدمات المُندقي

گفت وگوها (با مدیر داخلی خدمات هتل)

مسئول استقبال	المتابع
مسئول پذیرش	گردشگر
أَشْتَدُّ دُمَشْفِي مَشْرِفِ خِدْمَاتِ حُرُفِ الْمُندَقِي مَا هِيَ الْمُشْكَلَةُ؟ آقای دمشقی مدیر داخلی خدمات اتاق های هتل هستند مشکل چیست؟	عَلَى مَن هِيَ مَسْؤُولُ نَظْمِ حُرُفِ وَ احْفَاطِ عَلَيْهَا؟ ببخشید؛ مسئول نمر کردن اتاق ها و مراقبت از آن ها کیست؟
أَعْتَبِرُ بِنَكِّ رَجَاءِ اسْتِرْخِ تَأْتِصِلُ بِالْمَشْرِفِ از تو عذر می خواهم لطفاً استراحت کن با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت	أَلَيْتَ حُرُفِ طَيِّفَةً وَ فِيهَا تَوَاقِصُ اتاق ها تمیز نیستند و کمبودهایی دارند.
مسئول الإستقبال يُصَلِّ بِالمَشْرِفِ وَ يَأْتِي المَشْرِفِ مَعَ مُهندِسِ الصِّيَابَةِ مسئول پذیرش با مدیر داخلی تماس می گیرد و مدیر داخلی با مهندس تعمیرات می اید.	
المتابع	مُشْرِفِ خِدْمَاتِ المُندَقِي
گردشگر	مدیر داخلی خدمات هتل
أَلَيْتَ حُرُفِي وَ حُرُفِ رَمَلَانِي طَيِّفَةً وَ فِيهَا تَوَاقِصُ اتاق من و همراهانم تمیز نیست و در آن ها نواقصی وجود دارد	مَا هِيَ الْمُشْكَلَةُ يَا حَسْبِي؟ بویست من مشکل چیست؟
هِيَ التَّرْقِيَةُ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ وَ فِي التَّرْقِيَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَتٌ ناقص، وَ فِي التَّرْقِيَةِ الثَّالِثَةِ التَّمَكِيفُ لَا يَمَعْمَلُ در اتاق اول یک تخت شکسته است و در اتاق دوم ملافه کثیف است و در اتاق سوم کولر کار نمی کند	هِيَ تَعْمَالُ التَّطْيِيبِ وَ مَا الْمُشْكَلَاتُ الْأُخْرَى؟ کارگران نظافت خواهند آمد و مشکلات دیگر چیست؟
تَسَلَّمُ بِكُمْ سُبْحًا كُلُّ شَيْءٍ بِشَرِّ عَدُوٍّ عَلَى طَبِي از شما عذر می خواهم همه چیز را فوراً تعمیر خواهیم کرد؛ بروی چشم	تَسَلَّمُ بِكُمْ سُبْحًا كُلُّ شَيْءٍ بِشَرِّ عَدُوٍّ عَلَى طَبِي از شما عذر می خواهم همه چیز را فوراً تعمیر خواهیم کرد؛ بروی چشم

Al-Farooq

الفصل من الأول عشر الجملة الصريحة و غير الصريحة حسب الحقيقة و الواقع

دوم بر کول جمله درست و نادرست را مطابق حقیقت و واقعیت مشخص کن

۱- عندما يتقطع كلاك الزمركام في الليل. يترق كل مكان في الظلام.

۲- اني، که جریبل برقی در شب قطع می شود همه جا در تاریکی فرو می شود.

۳- الكواكب من الظهور المائية تعيش فوق جبال الجعیه.

۴- ماهواره ها در مدار آبی است که بالای کوه های برقی زندگی می کند.

۵- الكواكب من موعده صغير جداً يصنع كلاً من الظنوم.

۶- دانشنامه و رساله های بسیار کوچک است که زندگی از دانش ها را جمع می کند.

۷- الألفه عضو الشمس و الشمس.

۸- یعنی، عضو نفس کشیدن و بو بوی است.

۹- الأحاسيس حازم من الشؤون.

۱۰- حقایق برنده ای از پستانداران است.

الفصل من الثاني صنع في القراء كلمة مشابهة من الكلمات التالية. و كلمتان (كيتان)

سوم بر کول کلمات زیر، کلمه مناسبی را در جای خالی قرار بده (دو کلمه اسمانی است)

أوف / دور / قمر / بلغا / أسرى / أساور / التاكيزه / نتاز

یعنی ها نقش پرید رسیدیم شباه حرکت داد مستندها حافظه جریبل

۱- اشتري أي ياخني الصغيرة أسور من ذهب.

۲- بخرم برای خواهر کوچکم دستبندی از جنس طلا خرید.

۳- قال التلميذ: لست التابغة من الغمر.

۴- دانش آموزان گفتند به هفتمین سال از عمر رسیدیم.

۵- كان كل طاب يتعب من استهارة بالعب.

۶- هر دانش آموزی نقش خود را با مهارت کاملی بازی می کرد.

۷- قضت رباح شديدة و عذت في ماء المحيط.

۸- باد شدید و وزید و جریبلی در آب اقیانوس بوجود آمد.

۹- أضحك بقرارة كتاب حول طرق ترقية الكفاءة بالذك كثير النسان.

۱۰- تو را به خواندن کتابی درباره راه های تقویت حافظه سفارش می کنم زیرا تو بسیار فراموش کار هستی.

۱۱- لدينا زميل ذكي جداً من الصف الأول إلى الصف الثالث.

۱۲- ما یک همکلاسی بسیار باهوش داریم که از کلاس اول به کلاس سوم جهش کرد.

الفصل من الثالث عشر الكلمات المترادفة و المتضادة

سوم بر کول کلمات مترادف و متضاد را مشخص کن.

ساجل	بغذ	عنه	أقل	كبار	بكي	أرسل	ساجل	بغذ
سج	اسلم	كس	نعماً	دعم	لرب	بغذ	سج	سج

بعت (فرستاد) = أرسل (فرستاد) = بعت (کودکان) = اشاطن (ساحل) = ساحل (ساحل)
 یکی (گروه کرد) = ضحك (خندید) = اقل (کم تر) = اکثر (بیش تر) = ضوء (نور) = ظلام (تاریکی)
 بعد (دور شد) = قرب (نزدیک شد) = بقتة (ناگهان) = فجأة (ناگهان) = دفع (پرداخت) = استلم (دریافت کرد)
 گتم (پوشاند) = ستر (پوشاند)

الفهر من التواضع ترجم أفعال الجدول التالي

در زیر چهاره فعل های جدول زیر را ترجمه کن.

ما نترکت	بُردون	ترجمین	كانوا يجهزون
نشناختم	راهنمایی می شوند	شیر می دهی	مجهز می کردند
قاتلوا	سيفلغان	لا نهمون	اعتصموا
بختگید	خواهند رسید	نصميم نمی گیرید	جنگ بزنید
سوف نعتزل	لا يطبخ	ما لغزت	لا تفرق
حسن خواهیم گرفت	پخته نمی شود	نبرد، جهش نکرد	جدایی نیازی ندارد

الفهر من التواضع ترجم الآيات والحدیثین، ثم صنع خطأ تحت الجار والمجرور، والأكثر علامة الجزر
 سرسیر بعض آیات و حدیث را ترجمه کن سپس زیر جار و مجرور خطی قرار بده و علامت جز را ذکر کن.

۱- ﴿وَأَدْعَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ آیه ۸۶
 جار و مجرور (ما) جار و مجرور (ین)

و آنان را در رحمت خویش وارد کردیم آنان از نیکوکاران هستند.

۲- ﴿وَأَدْعُنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادَتِكَ الصَّالِحِينَ﴾ آیه ۱۹
 جار و مجرور (ما) جار و مجرور (ما)

و مرا با رحمتت در میان بندگان نیکوکاران وارد کن.

۳- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آیه ۱۲۷
 جار و مجرور (ما) جار و مجرور (ما)

و ما را در مقابل کافران یاری کن.

۴- آدب الغری خير من ذمیه رسول الله (ص)
 جار و مجرور (ما) جار و مجرور (ما)

ادب انسان از طلای (ثروت) او بهتر است.

۵- غلبتک بیدکبر الله فبأنه نور القلب. أمير المؤمنين علي (ع)
 جار و مجرور (ما) جار و مجرور (ما)

بر تو واجب است ذکر یاد خداوند زیرا که آن نور قلب است.

الفهر من التواضع ترجم الأفعال التالية.

تعرین ششم فعل های زیر را ترجمه کن.

انماوس از من سوال کنید	بخر لوشی مرا می شناسند	أعطاس به من داد	بصترسی مرا یاری می کند
رحموس بر من رحم کنید	لا تحترسني مرا حیران نکنید	عزفس به من معرفی کن	أترلسي مرا پایین بیاور

الذَّهْرَيْنِ الشَّابِغِ تَرْجَمَ كَلِمَاتِ الْجَدُولِ الشَّقَائِعِ. ثُمَّ اكْتُبَ رَمَزَهُ

بَنَلْتَن / صِفَار / ذَاكِرَةٌ / حَقَا / بَحَى / شَفِذ / عَزَى / أَوْصَل / صَفَرُوا / فَلَئِمَ / شَمِعَ طَيْرٌ / حَادَّةٌ / قَدْرٌ لَوْنُهُ كَالذَّيْلِ
 صَارِكِي / زُبُونٌ / شَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرُ / حَمِيمٌ / نُلُوجٌ / سَوَارٌ / رَائِعٌ

ص	ع	د
ك	ذ	ي
ح	ا	ة
ظ	ا	د
ص	ف	و
ر	و	ت
د	ر	
س	ع	
ر	ا	ع
م	ق	ذ
س	م	ي
س	ر	ا
ح	ر	ي
ت	و	ج
ذ	ا	ر
ل	ب	ن
ط	و	ر
ا	ر	ص
ا	م	ط
	ع	ف
ي	ب	ل
غ	ن	س
	ب	ي

- ۱) کویکها
- ۲) این طور
- ۳) تیز
- ۴) پدیده
- ۵) سوت زدن
- ۶) روغن ها
- ۷) نقش
- ۸) شنوایی
- ۹) جالب
- ۱۰) نجات دهنده
- ۱۱) نامیدیم
- ۱۲) دشتند
- ۱۳) گرم و صمیمی
- ۱۴) برف ها
- ۱۵) حافظه
- ۱۶) پستاندار
- ۱۷) پرندگان
- ۱۸) رسانید
- ۱۹) باران بارید
- ۲۰) بخشید
- ۲۱) می رسند
- ۲۲) ترانه خواندید
- ۲۳) گریه کرد

قال أمير المؤمنين علي (ع)

رمز جدول «الذَّهْرُ يُؤْمَانُ يَوْمَ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ»
 امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: روزگار دو روز است یک روز به سود تو و روزی به ضرر تو

التَّائِبِينَ الَّذِينَ تَرَجِمَ الْأَعَابِيثَ ثُمَّ أُغْرِبَ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ
تسری می‌خشد. حدیث‌ها را ترجمه کن. سپس کلمات رنگی را ترکیب کن (نقش و اعراب)

۱. ذَكَرَ اللهُ بِغَاةِ الْقُلُوبِ رَسُولَ اللهِ (ص) الله مستدا و مرفوع و خبر و مرفوع
یاد خداوند. شعای دل‌هاست.

۲. آفَةُ الْعِلْمِ السَّيِّئُ (ص) آفة مستدا و مرفوع السَّيِّئُ خبر و مرفوع
آفت دانش، فراموشی است.

۳. لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَائِلٌ رَجِمَ رَسُولَ اللهِ (ص) قَائِلٌ فاعل و مرفوع
قطع کننده. بیرون با بستگان وارد بهشت نمی‌شود.

۴. الْخَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ (ص) الخلیس مستدا و مرفوع من الوحده جار و مجرور
همنشین نیکوکار از تنهایی بهتر است.

۵. الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ (ص) رسول الله (ص) خبر خیر و مرفوع
تنهایی از همنشین بد بهتر است.

۶. لِسَانُ الْمُتَّقِرِ قَصِيرٌ (ص) المتقیر مضاف الیه و مجرور
زبان مقصر، کوتاه است.

التَّكْرِمُ مِنَ التَّكْسِخِ تَرَجِمَ الْأَعَابِيثَ وَ الْأَعَابِيثَ ثُمَّ غَيَّرَ السُّبُحَاتُ وَ الْغَيَّرَ وَ الْمَاعِلِ وَ الْمَفْعُولُ وَ اذْكَرُ إِعْرَابِهَا
تسری می‌دهد. آیه و حدیث‌ها را ترجمه کن. سپس مستدا و خبر و فاعل و مفعول را مشخص کن و اعراب آن‌ها را ذکر کن.

۱- جَعَلَ اللهُ الْكَعْبَةَ الْكِبْرَىٰ أَيْمَانًا لِلنَّاسِ (ص) جعل فاعل و مرفوع الكعبة مفعول و منصوب
خداوند. کعبه - بیت الحرام - را مایه استواری مردم قرار داد.

۲- وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا أَيْتِي كُنْتُ تُرَابًا فِئًا (ص) الكافر فاعل و مرفوع
و کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

۳- تَجَالَسَتِ الْعُلَمَاءُ عِبَادَةَ رَسُولِ اللهِ (ص) تجالست مستدا و مرفوع عبادة خبر و مرفوع
همنشینی یا دانشمندان، عبادت است.

۴- حَسُنَ السُّؤَالُ نِصْفُ الْعِلْمِ (ص) حسن مستدا و مرفوع نصف خبر و مرفوع
خوب بودن سؤال نصف دانش است.

۵- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ (ص) العالم مستدا و مرفوع کاشم خبر جار و مجرور (محللاً مرفوع)
دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

۶- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: الْإِنْسَانُ فاعل و مرفوع عمله مفعول فاعل و مرفوع
صدقه جاریه، آنچه علم نتقید به، او و ولد صالح بدعوله. رسول الله (ص)

هرگاه انسان بمیرد عمل و کار او قطع می‌شود مگر در سه چیز: صدقه جاری و مداوم، یا علمی که از آن سود برده می‌شود
صالحی که برایش دعا می‌کند.

۱
ملاک
فلسفی
نطق
تجلی
ارسطو
ارسطو
می‌گو
مناظر
ذهن
هدف
می‌نم

نظر شما
مشورت
کتاب
می‌بخشد
تأمل
فعالیت
فکر کرد
کتاب
بررسی
آیا می‌توان
آمده
چه راه
کتاب
اشتباهان
۱۱